

به شماره اضطراری پولیس تماس می گیرند



در عصر فیس‌بوک و دوستیابی آنلاین، تعدادی از مردان افغان هنوز به روش قدیمی و با زنگ زدن به خط تلفون اضطراری به دنبال عشق هستند. فتانه یلدا، ۲۷ ساله، که مانند همکارانش در غرفه‌اش تماس‌ها را جواب می‌داد و روی موبایل سیاهش روسری کشیده بود، گفت: «تماس‌های زیادی دریافت می‌کنیم که به ما می‌گویند دوستت دارم». در بیشتر مناطق افغانستان، زنان به ندرت خانه را ترک می‌کنند...

صفحه ۳

دیوار مهربانی

از میان رویدادهای ناگوار و تکان‌دهنده، افتتاح «دیوار مهربانی» در کابل توجه بسیاری‌ها را به خود جلب کرد. نهاد مدنی نگرش نو و برخی از فعالان مدنی شهر کابل این دیوار را به هدف کمک به نیازمندان و فقرا ایجاد کرده‌اند. پیش از این، دیوار مهربانی بلخ ایجاد شد و قرار است این طرح در بخش‌های مختلف کشور گسترش یابد. دیوار مهربانی، ایده‌ای است که ابتدا در کشورهای دیگری چون ایران و پاکستان خلق و تجربه شد اما به دلیل اهمیت اجتماعی که این طرح دارد، دیوار مهربانی هر روز در حال گسترش است. بر اساس طرح و شعارهای که در دیوارهای مهربانی...



بعد ننگرهار و قیصار و اچین خیز و بیا ملک سنایی ببین

تا حال هر بار که سخن از داعش می‌شد، ذهن‌ها اتومات می‌رفت به ولسوالی اچین ولایت ننگرهار و جنایاتی که این گروه در حق مردم ننگرهار روا داشتند. اما از این به بعد، این‌گونه نخواهد بود. ظاهراً تا حال تصمیم بر این بوده که ذهن جمعی مردم در ولایت ننگرهار با خلق جنایت و فاجعه مصروف شود تا نیروهای داعش در ولسوالی‌های بسیار مشخص غزنی و زابل جابه‌جا و مستحکم شوند. نیروهای داعش به صورت قطع تروریستانی اند که از پاکستان اخراج شده‌اند. آن‌ها با هویت بی‌جاشده‌گان وارد افغانستان شده، بی‌جاشده‌گانی که با وسایط نقلیه‌ی مدرن و کیسه‌های پر از پول وارد افغانستان شده. حتا شنیدیم که دولت افغانستان به پاس همسایه‌داری و عطف‌ت انسانی به همین بی‌جاشده‌گان خیمه، نان و دالر توزیع کرده است...

اتریش اجرای محدودیت‌های جدید برای ورود پناهجویان را آغاز کرد



اعلام وضعیت فوق العاده در سه شهر هند در پی ادامه خشونت‌ها



رئیس جمهور: سال آینده کار ساخت ۲۱ بند جهت مهار آب‌های افغانستان شروع می‌شود

صفحه ۲

افغان بودن یا نبودن: مسئله این است؟



صفحه ۵

افغانستان در لبه‌ی پر نگاه

بخش دوم و پایانی



صفحه ۴



اطلاعیه آرین بانک

بموجب قرار قضایی نمبر (۲۶۲) مورخ ۱۳۹۴/۶/۳۱ ریاست محترم محکمه ابتدائیه تجارتي ولایت کابل و محضر مورخ ۱۳۹۴/۱۰/۱ هیئت تطبیق حکم نمبر فوق، مبنی بر فروش ساحه تجارتي به مساحت ۷۸۴ متر مربع مندرج قباله بیع قطعی نمبر (۷۱۰ بر ۴۱۱) مورخ ۱۳۵۷/۲/۵ مرتبه محکمه شهري ولایت کابل، ملکیت محترم عبدالله پشتونیار فرزند محمد هاشم واقع چهاررانی حاجی یعقوب ناحیه چهارم شهر کابل قرارداد که طی وثیقه بیع جایزی نمبر ۷۱۳/۱۰ مورخ ۱۳۸۴/۸/۴ مرتبه آمریت ثبت اسناد و وثایق ولایت کابل که تحت تضمین قرضه شرکت عبدالله پشتونیار در آرین بانک قرار گرفته بود ملکیت متذکره در مجلس داوطلبی به تاریخ ۱۳۹۴/۱۱/۲۵ بفروش گذاشته شد، که نهایتاً بالای آقای احسان الله ولد حبیب الله به مبلغ ۲۱،۵۶۰،۰۰۰ افغانی بفروش رسانیده شد. اشخاص و موسسات که خواهان مزایده را دارند از تاریخ نشر اعلان به مدت ۱۵ یوم درخواستی‌های خود را به دفتر مرکزی آرین بانک واقع شهرنو سرک مسجد حنظله (رح) مقابل دروازه غربی لوی څارنوالي سپرده، شرطنامه را ملاحظه کرده میتوانند تضمین نقداً اخذ میگردند. و همچنان از مالک جایداد خواهش میگردد در روز مزایده حاضر باشد و در غیر آن حق شکایت را ندارد.



یک‌شنبه

۲ حوت

۱۳۹۴

سال پنجم

شماره ۱۰۱۳



## یادداشت روز

# دیوار مهربانی

**کله فرهنگت بیات**

از میان رویدادهای ناگوار و تکان‌دهنده، افتتاح «دیوار مهربانی» در کابل توجه بسیاری‌ها را به خود جلب کرد. نهاد مدنی نگرش نو و برخی از فعالان مدنی شهر کابل این دیوار را به هدف کمک به نیازمندان و فقرا ایجاد کرده‌اند. پیش از این، دیوار مهربانی بلخ ایجاد شد و قرار است این طرح در بخش‌های مختلف کشور گسترش یابد. دیوار مهربانی، ایده‌ای است که ابتدا در کشورهای دیگری چون ایران و پاکستان خلق و تجربه شد اما به‌دلیل اهمیت اجتماعی که این طرح دارد، دیوار مهربانی هر روز در حال گسترش است.

بر اساس طرح و شعارهای که در دیوارهای مهربانی حک شده است، از مردم خواسته شده است که لباس‌ها و وسایل اضاف‌ه‌ی شان را به دیوار آویزان یا پای آن بگذارند تا نیازمندان آن را بردارند و استفاده کنند. دیوار مهربانی یک طرح کلان اقتصادی برای کاهش فقر و کمک به فقرا نیست بلکه یک حرکت اجتماعی و مدنی کوچکی است.

بر بنیاد آمار رسمی، ۳۹ درصد جمعیت کشور زیر خط فقر زندگی می‌کنند. بخش عظیم نیروهای کار، بیکار هستند. در فقدان شغل و درآمد، ما شاهد یک حکومتی که بتواند این جمعیت را تحت پوشش حمایتی قرار دهد، نیستیم. قسمت عمده‌ی از درآمدهای ملی نیز صرف نهادهای امنیتی می‌شود و سکتورهای اجتماعی که این قشر را زیر پوشش قرار دهد از یک طرف شمار شان کم هستند و از جانب دیگر هزینه‌های لازم را در اختیار ندارند. در مدت زمانی که کمک‌های بشردوستانه جامعه جهانی در کشور سرازیر شد، دولت نتوانست آن را درست مدیریت کند. در فصل حاصل خیز کمک‌ها، مؤسسه‌های خصوصی بی‌شماری به‌منظور کمک به مردم ایجاد شدند اما این نهادها صرفاً در پی به‌دست آوردن پول و تجارت برآمدند که در نتیجه حاصلی برای مردم نداشت. در کنار انجوها اما نهادهای خیریه و حمایتی شکل نگرفت.

جدای از این‌که جامعه با چه دشواری‌ها و خلای نهادی مواجه است، ما با دولتی روبه‌رو هستیم که توقع کم‌ترین خدمات از جانب آن یک آرزو است. اولویت اساسی برای حکومت نه ارائه خدمات اجتماعی از نوع توزیع کمک‌های اولیه مانند غذا و کالا می‌باشد بلکه جنگ دغدغه‌ی اصلی است. در چنین وضعیتی، مردم به امان خود شان رها شده‌اند.

دیوار مهربانی درست در جایی ایجاد شده است که سیل عظیم معنادان در زیر پل‌سوخته جمع شده‌اند. آن‌ها در بدترین وضعیت از نظر صحتی و تغذیه به سر می‌برند. اعتیاد و فقر تنها آن‌ها را در چنین وضعیت اسفناک قرار نداده بلکه آنان از جامعه حذف و طرد شده‌اند. این دسته افراد برای رفع نیازمندی‌های شان از آن‌جایی که مورد حمایت قرار نمی‌گیرند، ناگزیر هستند دست به دزدی و سرقت بزنند. دیوار مهربانی و گسترش آن می‌تواند نیازهای اندک کسانی را که به پوشاک ضرورت دارند رفع کند. در نتیجه حد اقل پیامد آن کاهش رفتارهای انحرافی در جامعه است. از طرف دیگر، دیوار مهربانی قشر منزوی و فقیر جامعه را با مردم پیوند می‌دهد. چه آن‌هایی که لوازم کافی و اضافی دارند با دیدن دیوار مهربانی به فکر کمک به فقرا می‌افتند و مهم این‌که نیازمندان امید شان به این‌که هنوز هستند کسانی که آنان را مورد حمایت قرار می‌دهند زنده و جان می‌گیرند. در شرایطی که دیوار میان فقرا و ثروتمندان بلندتر و فاصله میان آن‌ها بیشتر می‌شود، دیوار مهربانی این فاصله را کم و میان دو قشر رابطه برقرار می‌کند.

**اطلاعات روز:** رییس جمهور غنی روز شنبه در چهارمین نشست ملی ترویج و توسعه زراعتی بر اهمیت زراعت و آب‌های افغانستان تأکید کرد و گفت که برای مهار این آب‌ها سال آینده کار ساخت ۲۱ بند آغاز می‌شود. آقای غنی گفت که رُشد زراعت و مهار کردن آب‌های افغانستان در اولویت برنامه‌های کاری حکومت وحدت ملی قرار دارد.

غنی با تأکید بر مهار کردن آب‌های کشور گفت، قرن‌هاست که افغانستان آب خود را مُفت برای دیگران می‌دهد. براساس برخی گزارش‌ها سالانه میلیاردها متر مکعب آب افغانستان به ایران و پاکستان می‌رود.

رییس جمهور گفت: «... سال‌هاست که دیگران از آب‌های ما استفاده می‌کنند، دیگر نمی‌خواهم که آب‌ها بی‌فایده از افغانستان بیرون شود. برای مهار این آب‌ها در سال جدید کار ساخت ۲۱ بند آب شروع می‌شود تا آب را مهار کنیم.» او یادآورد شد که هرچند ساخت این بندها زمان‌گیر است ولی دولت می‌خواهد مشکلات زراعتی افغانستان را به شکل اساسی حل کند و همبستگی ملی باید اول روی کانال‌ها کار کند و آب را به زمین برساند.

**زمین‌های زراعتی غصب شده را از زورمندان پس می‌گیریم**
آقای غنی هم‌چنان در بخشی از صحبت‌هایش گفت زمین

## غنی: برای مهار آب‌های افغانستان سال آینده ساخت ۲۱ بند شروع می‌شود

فعلی مشکلات بنیادی دارد. مسئله اول غصب زمین است که به تمام والیان دستور داده شده از غصب جلوگیری کنند و زمین‌های غصب شده را دوباره به صاحبانش برگردانند، اول باید زمین مصون شود.

او گفت: «زمین‌های زراعتی غصب شده را از زورمندان بازپس می‌گیریم.»

اشرف غنی هم‌چنان گفت که تولیدهای زراعت کشور باید به نام افغانستان به کشورهای بیرونی صادر شود و درآمد کشاورزان نیز باید افزایش یابد. او افزود که زمین طلا است در صورتی که حکومت، بخش خصوصی و کشاورزان با هم‌دیگر همکاری کنند.

او گفت: «کشاورزی باید از فرهنگ به مسلک مبدل شود و نظام آبیاری زمین‌ها و کاریزها اصلاح شود.» به گفته‌ی او، تولیدهای داخلی باید افزایش یابد تا بتواند میزان واردات را کاهش دهد.

آقای غنی یادآورد شد: «هم‌اکنون، مقدار زمین تحت زرع در مقایسه با دوران داوود خان یک بر سه هم نیست و ما دوباره آن زمین‌ها را زیر کشت می‌آوریم که چند صد هزار هکتار زمین زیر کشت می‌آیند.»

رییس جمهور هم‌چنان زراعت را برای ثبات و معادن را برای رفاه کشور ضروری دانست و در مورد بیلاس تجارتی گفت که بیلاس کنونی قابل قبول نیست.

### ۷۲ پروژه انکشافی در ولایت میدان وردک به بهره برداری رسید

دو پایه پل پیاده رو، کانال‌های آبیاری، پلچک‌ها، تمدید چهار شبکه آب‌سانی، حفاری ۲۷ حلقه چاه آب آشامیدنی و احداث و جغل اندازی سرک به طول ۱۳۲۵۰ متر می‌باشد.
خبرنامه افزوده که از مزایای این پروژه‌ها حدود ۵۶۳۰ خانواده مستفید می‌شوند.

♦♦♦♦♦

### اجساد هفت افغان که در آب‌های ترکیه غرق شده بودند به کابل منتقل شدند

عودت‌کنندهگان گفته بود که در سال گذشته‌ی میلادی ۳۰ هزار تن هنگام رفتن به اروپا جان باخته‌اند که ۱۲ فیصد این قربانیان را افغان‌ها تشکیل می‌داد.
از آغاز سال جاری تاکنون هزارها تن از شهروندان کشور افغانستان را به قصد رسیدن به کشورهای اروپایی ترک می‌کنند و این روند تاکنون متوقف نشده‌است. در ریاست پاسپورت روزانه چندین هزار نفر برای اخذ پاسپورت مراجعه می‌کند تا به شکل قانونی به کشورهای دیگر بروند. اما بیشتر مردم مسیرهای پرخطر قاچاق را در پیش می‌گیرند که شمار شان در اولین گام به سوی مهاجرت، یعنی در مرز افغانستان و ایران، جان شان را از دست می‌دهند.

♦♦♦♦♦

### عامل اصلی قتل ۱۴ غیرنظامی در غور بازداشت شد

عبدالرحمن به‌عنوان سردسته گروه تروریستی داعش در شهر فیروزکوه و ولسوالی دولت‌یار بوده است.
امان عظیمی، آمر امنیت فرماندهی پولیس ولایت غور به خبرگزاری جمهور گفته است که این فرد در شمال شهر فیروز کوه دست به هسته‌گذاری گروه داعش زده و حتا پرچم این حلقه تروریستی را بلند کرده بود. هم‌چنان در این اواخر او دست به جلب و جذب نیرو برای داعش زده و حدود ۱۰۰ نفر را هم جذب این گروه تروریستی کرده بود. آقای عظیمی تأکید کرده که این فرد با حلقات خارجی داعش ارتباط داشته است. مقام‌های دولتی غور او را به‌دست داشتن در حملات و فتوهای متعددی که به محکمه‌های صحرایی منجر شده، متهم کرده‌اند.

♦♦♦♦♦

### یک زندانی در بلخ هنگام ملاقات همسرش را کشت

سر می‌برد. گفته می‌شود که این مرد یک سال پیش به اتهام قتل پلوشه توخی، خبرنگار رادیو بیان شمال در مزارشریف بازداشت شده‌است. در ماه اسد سال گذشته مقام‌های محلی ولایت بلخ اعلام کردند که یک فرد ناشناس پلوشه توخی، خبرنگار رادیو بیان را به ضرب چاقو کشته است.

♦♦♦♦♦

### یک گروه شش نفری شبکه حقانی در خوست بازداشت شدند

مأموران امنیت ملی با همکاری نیروهای پولیس و ارتش از نزد این افراد پنج میل کلاشینکوف، یک میل سلاح چره‌ای، دو پایه مخابره و یک قاب دوربین به‌دست آورده‌اند. هم‌چنان از مخفی‌گاه شبکه حقانی در مربوطات ولسوالی صبری ۵۴ فیر مرمی میزائیل، ۲۰ فیر مرمی توپ ۸۲ ملی متری، ۵۱ عدد سرگلوله مزائیل، ۸۴ صندوق مرمی سلاح سبک نیز به‌دست آمده است.

♦♦♦♦♦

**اطلاعات روز:** مسئول ساحوی برنامه همبستگی ملی وزارت احیا و انکشاف دهات در ولایت میدان وردک می‌گوید که ۷۲ پروژه انکشافی این برنامه با هزینه بیش از ۶۲ میلیون افغانی به بهره برداری سپرده شد.

ریاست رسانه‌های برنامه همبستگی ملی وزارت احیا وانکشاف

### اطلاعات روز: اجساد هفت تن از دوازده نفری که در آب

های ترکیه و یونان غرق شده بودند، روز شنبه به کابل منتقل شدند.

اکثر جان‌باخته‌ها عضو دو خانواده هستند. اجساد پنج عضو دیگر این خانواده‌ها تاکنون به‌دست نیامده است.

این دو خانواده که قصد رفتن به اروپا را داشتند، قایق چوبی شان در آب‌های ترکیه و یونان غرق شده بود.

جنرال حق‌نواز حق‌یار، فرمانده میدان هوایی بین‌المللی حامدکرزی به رسانه‌ها گفته است که در بین هفت جسد آورده شده به کابل، سه زن، سه مرد و یک کودک شامل می‌باشند. این جنازه‌ها امروز در هدیره چهار قلعه وزیرآباد

**اطلاعات روز:** مقام‌های محلی ولایت غور می‌گویند که مولوی عبدالرحمن، از فرماندهان مشهور مخالفان مسلح و عامل اصلی کشتار ۱۴ غیرنظامی، از سوی مأموران امنیت ملی بازداشت شده است.

مولوی عبدالرحمن از سازماندهندگان اصلی قتل ۱۴ غیرنظامی از جمله یک نوعروس، خواهر و مادرش و داماد بوده که در ماه اسد سال گذشته از سوی افراد مسلح در منطقه بادگاه در شهر فیروزکوه در مسیر غور- بامیان تیرباران شدند.

عبد الحی خطیبی، سخن‌گوی ولایت غور به بی‌بی‌سی گفته است که این فرد عصر روز جمعه زمانی‌که وارد شهر فیروز کوه شد، شناسایی و بعداً درحالی‌که قصد فرار را داشت، بازداشت

**اطلاعات روز:** مقام‌های امنیتی ولایت بلخ می‌گویند که یک زندانی در زندان این ولایت، خانم‌اش را که به ملاقات او به زندان آمده بود، کشته است.

عبدالرزاق قادری، مسئول امنیت پولیس بلخ به بی‌بی‌سی گفته است این مرد هنگام ملاقات، خانمش را با طناب در اتاق

**اطلاعات روز:** ریاست عمومی امنیت ملی می‌گوید که نیروهای امنیتی در یک عملیات خاص در مربوطات ولسوالی‌های صبری و باک ولایت خوست یک گروه شش نفری شبکه تروریستی حقانی را بازداشت کرده‌اند.

امنیتی ملی روز شنبه با نشر خبرنامه‌ای هم‌چنان گفته است که یک مخفی‌گاه سلاح و مهمات این تروریستان نیز کشف شده است.

## بعد نگرهار و قیصار و اچین خیز و بیا ملک سنایی بین

تا حال هر بار که سخن از داعش می‌شد، ذهن‌ها اتومات می‌رفت به ولسوالی اچین ولایت نگرهار و جنایاتی که این گروه در حق مردم نگرهار روا داشتند. اما از این به بعد، این گونه نخواهد بود. ظاهراً تا حال تصمیم بر این بوده که ذهن جمعی مردم در ولایت نگرهار با خلق جنایت و فاجعه مصروف شود تا نیروهای داعش در ولسوالی‌های بسیار مشخص غزنی و زابل جابه‌جا و مستحکم شوند. نیروهای داعش به‌صورت قطع تروریستی اند که از پاکستان اخراج شده‌اند. آن‌ها با هویت بی‌جاشده‌گان وارد افغانستان شده، بی‌جاشده‌گانی که با وسایط نقلیه‌ی مدرن و کیسه‌های پر از پول وارد افغانستان شده. حتا شنیدیم که دولت افغانستان به پاس همسایه‌داری و عطفیت انسانی به همین بی‌جاشده‌گان خیمه، نان و دالر توزیع کرده است.

حالا بحث روی این که چه کسی به آن‌ها به‌عنوان بی‌جاشده‌ها کمک کردند، یک کمی دیر است. بی‌جاشده‌های یک سال قبل، این روزها جاهای محکمی دارند و می‌روند که جای خویش را از جنوب تا شمال بگسترانند. گزارشی که خبرگزاری مرکزی منتشر کرده، نشان می‌دهد که با شروع فصل بهار، شاید هم زودتر، هزاران خانواده‌ی مسلح مستقر شده در بعضی از ولسوالی‌های ولایات غزنی و زابل، بر ولسوالی‌های جاغوری، مالستان و ناهور حمله خواهند کرد تا از ولایت‌های مرکزی که عمدتاً هزاره‌نشین اند، راه به شمال کشور باز کنند.

قصه‌های صلح همان‌گونه که در یک‌ونیم دهه گذشته مفت بود، حالا مفت‌تر هم خواهد شد. صلح با طالبان در سایه‌ی حضور سنگین نیروهای منسوب به داعش، برای هیچ ولایت و شهروندی آرامش نخواهد آورد. مدارا با طالبان، این فرصت را به پاکستان داده که هویت جدیدی برای صدور تروریست به افغانستان خلق کنند. هرچند حالا هم هزینه‌ی نبرد با داعش برای حکومت بسیار سنگین خواهد بود، اما اگر دولت مثل تمام سال‌های گذشته از مدارا و معامله کار گیرد، بهای گزافی را خواهیم پرداخت. هویت داعش، حتا اگر سربازانش طالبانی باشند که جامه و پرچم سفید قبلی را به رنگ سیاه تبدیل کرده، به خودی خود ویرانی و کشتار گسترده را می‌طلبند. طراحان داعش این مسئله را در تمام مسیرهای که داعش از آن عبور می‌کند یا جاهایی که ساکن خواهد شد، پیاده خواهند کرد. ویرانی خانه‌ها، کشتار مردم، آتش زدن مزارع و به بردگی کشاندن دختران و پسران جوان مولفه‌های اصلی گروه تروریستی داعش اند و این مولفه‌ها می‌رود که افغانستان را سیاه و مردم را تباہ کند.

حالا مسئله این است که حکومت مرکزی با این نگرانی و خطر چگونه برخورد می‌کند؟ آیا مانند زمانی که مردم از مسیر راه‌ها و حضور انبوه داعشی‌ها در مسیرها شکایت داشتند و نگران بودند و در نهایت فاجعه‌های چون گروگان‌گیری ۳۱ مسافر و بریدن گلوی هفت مسافر دیگر اتفاق افتاد، سکوت خواهد کرد؟ آیا حکومت بار دیگر به نجوای مردم گوش نخواهد کرد؟ آیا بار دیگر فریاد استعانت نیروهای امنیتی از غزنی و زابل بی‌پاسخ خواهد ماند؟ آیا ولسوالی‌های جاغوری، مالستان و ناهور، اچین‌های بعدی افغانستان خواهد شد؟

شک نیست. رویکرد حکومت در نگرهار، هلمند، فاریاب، بغلان، بدخشان و جلیز چندان امیدوار کننده نیست. حکومت از افزایش فاصله میان حکومت و مردم به‌خوبی آگاه است، اما نگاه پروژه‌ای حکومت به زندگی و امنیت مردم، فراتر از آن است که حکومت این فاصله‌ها را درک کند. حکومت فاصله میان مردم و حکومت را از روی فاصله میان رهبران قومی و حکومت می‌سنجد که کاملاً اشتباه است. دل‌جویی از رهبران و متمولین قومی را با کاهش خطر توده‌ها اشتباه بگیریم چون هیچ ربطی به هم ندارد. کاهش فاصله‌ها با نابود کردن داعش در ولسوالی‌های ناوه وگیلان ولایت غزنی و ولسوالی‌های دای‌چوپان، ارغنداب، میزان و نوبهار ولایت زابل ممکن است. چیزی که حکومت فعلاً وقتی به آن نمی‌نهد اما برای دل‌جویی از صاحبان قدرت قومی، درنگ هم نمی‌کند.

داعش پروژه است، همان‌گونه که طالب و القاعده پروژه بودند. پروژه‌ای که شروع شده، اگر حکومت و به ویژه مقامات طراز اول حکومتی شریک این پروژه نیستند، بسم‌الله و بفرمایند ولسوالی‌های یادشده را از نزدیک ببیند. از مردم بشنوند و در مورد حضور چینی‌ها، ازبک‌ها و اوغورها معلومات گرفته، بدون هیچ مصحتی آن‌ها را نابود کنند. در هیچ مملکتی خانواده‌های بی‌جاشده و پناه‌جو تا دندان مسلح نیستند و با کیسه‌های دالر و وسایط مدرن و نو به‌دنبال پناه‌گاه نمی‌گردند، مگر این که تروریست‌های بی‌جاشده‌ی پاکستانی باشند که در دامن افغانستان آمده تا نقش بازی کنند.

## قلب‌های بی‌کس به شماره اضطراری پولیس تماس می‌گیرند



است، گفت مردان باوجودی که چانس موفقیت ندارند به زنگ زدن ادامه می‌دهند، شاید به این دلیل که از تازگی و نو بودن صحبت با زنی که از بستگان شان نیست، لذت می‌برند. فاروقی گفت: «صدایت را دوست دارم، با هم دوست باشیم و شماره شخصی‌ات را به من بده.» «گوش‌هایم از این کلمات پر است.» خط مشی این مرکز اطلاعاتی پولیس [از تلفون‌چی‌ها] می‌خواهد مودبانه پاسخ بدهند، به مزاحمان تلفونی یادآوری کنند که این خط برای موارد اضطراری است و درگیر مکالمات طولانی نشوند. شماره تلفون کسانی که به‌طور مدام تماس می‌گیرند مسدود می‌شود که فهرستی از آن را وال استریت ژورنال مشاهده کرده است. وقتی به شماره‌های شامل در این فهرست تماس گرفتیم، هیچ یکی از آن‌ها نپذیرفتند که در این خط تلفونی اضطراری به دنبال عشق بوده‌اند. دکانداری به نام حسین از ولایت غزنی گفت: «هرگز به ۱۱۹ زنگ نزده‌ام. مزاحمت تلفونی کاملاً خلاف اسلام است.» تعدادی از روستائینانی که شماره‌های شان در فهرست شماره‌های مسدود شده این مرکز بود، تماس به ۱۱۹ را رد کردند، اما نپذیرفتند که وقتی اول زنان بیگانه [به آن‌ها] تماس گرفته‌اند، تلفونی با آن‌ها صحبت کرده‌اند.

یک سخن‌گوی وزارت داخله گفت، آن‌هایی که به دنبال عشق هستند نباید به خط تلفونی اضطراری زنگ بزنند. وی گفت: «این خط تلفونی باید صرف برای موارد اضطراری و سرنخ‌هایی که می‌تواند از حملات جلوگیری کند، استفاده شود.» یک دانشجوی دانشگاه کابل گفت پس از آن‌که از روستایش در شرق افغانستان به پایتخت آمد، در مکالمه با دختران مشکل داشت. بنابراین تصمیم گرفت به‌صورت اتفاقی مزاحمت تلفونی به زنان را تمرین کند و حتا از خط تلفونی اضطراری استفاده نکرد. وی می‌گوید که در نخستین تلاشش، «آن زن با کلمات بد به من

توهین کرد.» زنان نیز مزاحمت تلفونی می‌کنند. خارج از مناطق شهری این کشور، زنان از زندگی عمومی به دور اند. دخترانی که چانس رفتن به مکتب را دارند، اغلب در دوران بلوغ از مکتب کشیده می‌شوند و تحت فشار شدید قرار دارند تا در خانه بمانند. در یکی از روزهای اخیر در این مرکز، یک تلفون‌چی مرد به نام ذکراالله تماس زنی را پاسخ داد که تلاش کرد با گفتن این که دنبال دوستی است، او را روی خط نگهدارد. ذکراالله: «کاری را که فعلاً انجام می‌دهی یک مزاحمت تلفونی است.» زن: «مزاحمت نمی‌کنم.» ذکراالله: «تو خط تلفونی ما را مصروف می‌کنی، برای ما مزاحمت می‌کنی، ما این‌جا هستیم تا به تماس‌های اضطراری گوش بدهیم و به هم‌وطنان خود کمک کنیم.» زن: «می‌توانی مرا به انیل کپور وصل کنی؟» ذکراالله او را سرزنش کرد و او تماس را قطع کرد. ذکراالله که موی سیاه‌تر و تمیز و چشم عسلی رنگ دارد، گفت هرگز شماره‌اش را بیرون نمی‌دهد. این کار او را به مشکل دچار خواهد کرد. ویدا گفت: «بسیاری از مزاحمان تلفونی به ما می‌گویند که صدایت را دوست دارم و با هم دوست باشیم.» «تا حالا این شکرگرد این‌جا موثر نبوده است.» افغان‌های جوان در تماس گرفتن به مرکز اطلاعاتی اضطراری برای مشاوره عاشقانه شهرت دارند. تعدادی برای کمک زنگ می‌زنند تا از ازدواج‌های تریبی فرار کنند. جنرال محمد همایون عینی، مسئول این مرکز اطلاعاتی، گفت: «به‌طور مثال: دختری عاشق پسری است، اما خانواده‌ی او می‌خواهد او را به قید ازدواج کسی دیگری درآورد.» «او توافق نمی‌کند، بنابراین برای کمک به ۱۱۹ زنگ می‌زند.»

این مرکز معمولاً این‌گونه تماس‌ها را به وزارت امور زنان راجع می‌کند. این مرکز اطلاعاتی که در سال ۲۰۰۷ ایجاد شد و توسط برنامه توسعه‌ی سازمان ملل متحد تامین مالی شده است، تلاش کرده است با این مشکل مقابله کند. قبلاً تماس‌ها رایگان بود. اکنون این تماس‌ها ۱،۵ افغانی در هر دقیقه هزینه دارد که آقای عینی گفت موثر بوده است. او گفت که این مرکز در هر بیست و چهار ساعت حدود ۵۰۰ تماس دریافت می‌کند.

تلفون‌چی‌های این مرکز گفتند که این هزینه هم مانع مردانی که خود را در تماس به زنان تلفون‌چی طالب معرفی می‌کنند، نشده است. طالبان که باور دارند مردان و زنان نامحرم باید در محلات آموزشی و کار جدا باشند، نظر به گفته تلفون‌چی‌هایی که از طرف آن‌ها تهدید شده‌اند، آن‌ها را به خاطر کار برای پولیس آزار و اذیت می‌کنند. شماره‌های آن‌ها مسدود شده‌اند. وب‌جاگزینی را برای شهرنشینان جوانی ارائه می‌دهد که می‌توانند آنلاین شوند. مردی، با لیخند به نامزدش در کافه‌ای در کابل گفت: «ما باید از مارک زاکربرگ و هم‌چنین یاهو منسجر تشکر کنیم، چون آن‌ها به ما بسیار کمک کردند.» این زوج در فیس‌بوک باهم سر خوردند و قبل از ملاقات، برای یک سال ارتباط داشتند. دختر، با توضیح لحظه‌ای که آن‌ها باهم توافق کردند، گفت: «او گفت، ممکن است دوست داشته باشم؟» من گفتم: «مشکلی نیست.»

منبع: وال استریت ژورنال  
جیسیکا دوناتی و احسان الله امیری  
ترجمه: حمید مهدوی

## افغان‌ها شماره تلفون مستقیم پولیس را دایر می‌کنند تا با جنس مخالف شان حرف بزنند؛ «من صدایت را دوست دارم»

در عصر فیس‌بوک و دوستیابی آنلاین، تعدادی از مردان افغان هنوز به روش قدیمی و با زنگ زدن به خط تلفون اضطراری به دنبال عشق هستند. فتانه یلدا، ۲۷ ساله، که مانند همکارانش در غرفه‌اش تماس‌ها را جواب می‌داد و روی موبایل‌های سیاه‌رنگ روسی کشیده بود، گفت: «تماس‌های زیادی دریافت می‌کنیم که به ما می‌گویند دوست دارم.» در بیشتر مناطق افغانستان، زنان به ندرت خانه را ترک می‌کنند، مگر این سر تا پای شان را با برقع پوشانیده باشند. مردان فرصت زیادی برای برقرار کردن ارتباط ندارند، به ویژه زمانی که بسیاری از زنان بدون همراهی یک مرد اجازه بیرون رفتن ندارند. خارج از شهرهای بزرگ، تعداد اندکی از آن‌ها به رسانه‌های اجتماعی دسترسی دارند. بنابراین، تنها راه نتیجه بخش صحبت کردن با یک جنس مخالف، زنگ زدن به مرکز اطلاعاتی اضطراری پولیس کابل است. تلفون‌چی‌ها می‌گویند روزانه حدود ۷۰ بار با مزاحمت تلفونی مواجه می‌شوند. یلدا گفت: «به ویژه مردان بی‌سواد روستائین. به آن‌ها می‌گویم که این شماره ۱۱۹ مرکز اطلاعاتی پولیس است. تلفون ما را مصروف نکنید.» مردان عاشق افغان که به راحتی دل‌سرد نمی‌شوند، اغلب در مورد آتش‌سوزی جزئیات طولانی و دقیق می‌دهند تا مکالمه را دنباله‌دار کنند. آتش‌نشان‌هایی که به صحنه اعزام می‌شوند اغلب هیچ آتش‌سوزی‌ای جز قلب سوزان یک مرد کشف نمی‌کنند.

شکر دیگر، گزارش دادن معماهای حل‌نشده در مورد گم شدن احشام و چهارپایان است. ویدای ۲۳ ساله گفت: «تعدادی از تماس‌گیرندگان به من می‌گویند «گوسفند و گاو من گم شده است.» من می‌پرسم کی آن‌ها را دیدید؟ آن‌ها می‌گویند: «شما پولیس هستید، پس شما باید کشف کنید.» «آن‌ها معمولاً این‌گونه مزاحم ما می‌شوند.»

لیلما فاروقی که هشت سال در این مرکز کار کرده

**لیلما فاروقی که هشت سال در این مرکز کار کرده است، گفت مردان باوجودی که چانس موفقیت ندارند به زنگ زدن ادامه می‌دهند، شاید به این دلیل که از تازگی و نو بودن صحبت با زنی که از بستگان شان نیست، لذت می‌برند. فاروقی گفت: «صدایت را دوست دارم، با هم دوست باشیم و شماره شخصی‌ات را به من بده.» «گوش‌هایم از این کلمات پر است.» خط مشی این مرکز اطلاعاتی پولیس [از تلفون‌چی‌ها] می‌خواهد مودبانه پاسخ بدهند، به مزاحمان تلفونی یادآوری کنند که این خط برای موارد اضطراری است و درگیر مکالمات طولانی نشوند. شماره تلفون کسانی که به‌طور مدام تماس می‌گیرند مسدود می‌شود که فهرستی از آن را وال استریت ژورنال مشاهده کرده است. وقتی به شماره‌های شامل در این فهرست تماس گرفتیم، هیچ یکی از آن‌ها نپذیرفتند که در این خط تلفونی اضطراری به دنبال عشق بوده‌اند. دکانداری به نام حسین از ولایت غزنی گفت: «هرگز به 119 زنگ نزده‌ام. مزاحمت تلفونی کاملاً خلاف اسلام است.» تعدادی از روستائینانی که شماره‌های شان در فهرست شماره‌های مسدود شده این مرکز بود، تماس به 119 را رد کردند، اما نپذیرفتند که وقتی اول زنان بیگانه [به آن‌ها] تماس گرفته‌اند، تلفونی با آن‌ها صحبت کرده‌اند.**

# افغانستان در لبه پرتگاه

فارین پالیسی / ایوانیس کاسکیناس  
ترجمه: معصومه عرفانی  
بخش دوم و پایانی

**تجزیه‌ی جامعه‌ی سیاسی افغانستان سرعتی سرسام‌آور گرفته است. آیا کسی قادر است آن را متوقف سازد؟**

**دولت وحدت ملی، با هدر دادن اعتبارهای سیاسی قابل توجهی به منظور بهبود روابط با پاکستان، حتا با وجود آن که تعدادی هشدار داده بودند که اسلام‌آباد طالبان را بر سر میز مذاکره نخواهد آورد و جلوی خشونت در افغانستان را نخواهد گرفت، اوضاع را بدتر کرده است. غنی سیاست آشتی خود را با علاقمندی دولت اوباما به مذاکرات زودرس و بدون آمادگی برای صلح با طالبان پیوند زده است. سرمایه‌گذاری‌های سیاسی بی نتیجه در بهبود روابط با پاکستان و طالبان، هم‌چنان به‌عنوان حفره‌ای سیاه از انرژی‌های هدررفته باقی مانده است.**



در ماه نوامبر، «شورای جهادی» بر روی برگزاری یک لویه جرگه‌ی اضطراری به‌منظور تشکیل دولت موقت تأکید کرد. برخی از چهره‌های قدرتمند، از جمله رهبران مجاهدین در دوران اشغال شوروی سابق، عبدالرب رسول سیاف، بسم‌الله محمدی، عبدالرحیم وردک، محمدیونس قانونی، عبدالهادی ارغندیوال، محمدعمر داوودزی، محمداسماعیل خان، و هم‌چنین تعدادی از اعضای برجسته‌ی مجلس نمایندگان، حمایت خود را از چنین اقدامی اعلام کردند.

هنوز زمان کافی برای نجات دولت وحدت ملی و قراردادن افغانستان در مسیر پایداری به بهبودی وجود دارد. غنی و عبدالله به‌طور قطع می‌دانند که دوره‌ای از اصلاحات موردنیاز است. اما، به‌نظر می‌رسد که این دو رهبر افغانستان، فاقد اعتبار و توان سیاسی برای اعمال اصلاحات ضروری هستند. ایالات متحده، به‌جای تماشای بازی از گوشه‌ی زمین، باید با تأکید بر این که دولت وحدت ملی باید وعده‌های اصلاحاتی خود را به اجرا درآورد، افغانستان را برای حرکت به جلو یاری برساند.

ایالات متحده نباید در امور روزانه‌ی دولت افغانستان درگیر شود، یا حاکمیت ملی آن را نقض کند، با این وجود، این کشور نیاز دارد تا روشن بسازد که سرمایه‌گذاری ایالات متحده در افغانستان مشروط به پیشرفت است. رویکرد «تعهد بدون پاداش» ایالات متحده، منجر به توانمندی غنی و عبدالله نشده است.

جامعه‌ی جهانی از تاکتیک ایجاد ارتباطی میان پشتیبانی و پیشرفت، در مواردی نادر استفاده کرده است. برای مثال، در سال جاری، ایالات متحده و بریتانیا حمایت مالی خود از شورای عالی صلح را به دلیل نواقص سازمانی متوقف کرد. سال گذشته، اتحادیه‌ی اروپا بودجه‌اش برای دولت افغانستان را به دلیل عدم پیشرفت در صدور تذکره‌های الکترونیکی به حالت تعلیق درآورد. اما این اقدامات در مقایسه با طرح‌های اصلاحات سیاسی برجسته‌ای که در بالا ذکر شدند، جزئی هستند. برای این که مشروط کردن کمک‌ها کارآمد باشد، ایالات متحده باید کاری بیش از صرف تشویق کابل برای پیشرفت انجام دهد. ایالات متحده و سایر حامیان بین‌المللی باید میزان مناسبی از کمک‌های مالی را برای پیشرفت اصلاحاتی کلیدی اختصاص بدهند که قوه‌های مجریه، قضاییه و مقتضیه‌ی افغانستان را وادار به دستیابی به نتیجه در اقدامات خود نمایند.

مهم‌تر از همه، ایالات متحده باید کمک‌های مالی عمده به دولت وحدت ملی را مشروط بر اجرای اصلاحات انتخاباتی کند. پروژه‌های عمده‌ی مربوط به حکومت‌داری، توسعه و امنیت، باید متوقف شوند مگر آن که دولت وحدت ملی نشان بدهد که گام‌های مشخصی را به سوی برگزاری انتخابات پارلمانی و شوراهای ولسوالی‌ها در پاییز سال جاری برداشته است.

این امر ضروری است، چراکه بنا بر توافقی که منجر به شکل‌گیری دولت وحدت ملی شد، دوره‌ی کاری رییس اجراییه عبدالله، قرار است در ماه سپتامبر امسال به پایان برسد. غنی درحال حاضر دوره‌ی پارلمان را براساس فرمانی تمدید کرده است؛ اگر او یک فرمان دیگر را برای تمدید نقش ریاست اجرایی صادر کند، می‌توان چنین استدلال کرد که دولت افغانستان تحت قدرت ریاست‌جمهوری، و نه قانون اساسی، اداره می‌شود. ایالات متحده باید به هر قیمتی برای پیشگیری از این اتفاق تلاش کند. اگر چنین اتفاقی رخ بدهد، می‌تواند به معنای آغازی برای پایان دولت وحدت ملی باشد؛ گروه‌های مخالف، شامل رییس‌جمهور سابق حامد کرزی، برای لویه جرگه‌ای به‌منظور انحلال دولت وحدت ملی و دولت موقت فراخوان خواهند داد.

اگر اساس حمایتی دولت وحدت ملی از هم بپاشد، نخبگان متعدد، زورمندان منطقه‌ای، و رهبران قومی، به احتمال زیاد بر سر قدرت خواهند جنگید. نمی‌توان از ایالات متحده که خسته از جنگ و درصدد خروج نیروها است انتظار داشت تا دولت را از چنین وضعیت بحرانی نجات بدهد. به‌منظور پیشگیری از چنین پایان فاجعه‌باری، دولت ایالات متحده باید موضعی به‌مراتب جدی‌تر و شدیدتر در فشار برای اعمال اصلاحات اتخاذ کند.

امنیتی و مدیریت تنش‌های سیاسی سپری می‌کند. برای مثال، هیچ دلیلی وجود ندارد که امضای فرمان تشکیل کمیسیون اصلاحات انتخاباتی برای رییس‌جمهور، پنج ماه زمان بگیرد. پس از آن، چند ماه دیگر برای غنی و عبدالله طول کشید تا اعضای این کمیسیون را انتخاب کنند. براساس گزارش شبکه‌ی تحلیل‌گران افغانستان، «این حقیقت که تعداد اندک باتجربه و دانش انتخاباتی، همه افراد حزبی هستند، این خطر را در بر دارد که این کمیسیون تبدیل به کمیسویی بیشتر سیاسی شود تا تکنیکی». حتا زمانی که کمیسیون، لیستی از اصلاحات را به رییس‌جمهور ارائه کرد که او هم به نوبه‌ی خود آن را برای تصویب به مجلس معرفی کرد، قانون‌گذاران این پیشنهادات را رد کردند. منازعات سیاسی، اصلاحات انتخاباتی را تقریباً متوقف کرده است. جالب این‌جاست که رییس کمیسیون مستقل انتخابات، احمد یوسف نورستانی، در تاریخ ۱۸ جنوری ۲۰۱۶ به خبرنگاران گفته بود که تیم او «تمام آمادگی‌های فنی» برای اطمینان از «شفافیت کامل» انتخابات پارلمانی و منطقه‌ای در تاریخ ۱۵ اکتوبر راه تکمیل کرده است. هزینه‌ی پیش‌بینی‌شده برای برگزاری انتخابات پارلمانی: ۶۷ میلیون دلار.

دولت وحدت ملی، با هدر دادن اعتبارهای سیاسی قابل توجهی به‌منظور بهبود روابط با پاکستان، حتا با وجود آن که تعدادی هشدار داده بودند که اسلام‌آباد طالبان را بر سر میز مذاکره نخواهد آورد و جلوی خشونت در افغانستان را نخواهد گرفت، اوضاع را بدتر کرده است. غنی سیاست آشتی خود را با علاقمندی دولت اوباما به مذاکرات زودرس و بدون آمادگی برای صلح با طالبان پیوند زده است. سرمایه‌گذاری‌های سیاسی بی‌نتیجه در بهبود روابط با پاکستان و طالبان، هم‌چنان به‌عنوان حفره‌ای سیاه از انرژی‌های هدررفته باقی مانده است.

تمام این‌ها منجر به کاهش شدید اعتماد عمومی نسبت به دولت وحدت ملی شده است. اتهامات رهبری فاسد و بی‌کفایت، و ناتوانی برای حفاظت از گروه‌های اقلیت و خبرنگاران، هم‌چنین شکست در ارائه‌ی وعده‌های اولیه برای اجرای اصلاحات سیاسی، توزیع تذکره‌های الکترونیکی، و اختصاص بودجه به ولایت‌ها، تردیدی جدی در ذهن مردم افغانستان در رابطه با توانایی دولت وحدت ملی برای تأمین امنیت کشور و حکومت‌داری موثر به‌وجود آورده است. این کاستی‌ها که با تداوم یک سیستم قضایی ناقص همراه شده‌اند که نه تنها در حمایت از زنان ناکام بوده است، بلکه تلاش‌ها برای محاکمه‌ی عاملان جنایت علیه آنان را با مانع روبه‌رو کرده است، اعتماد به توانایی دولت وحدت ملی برای حفظ حاکمیت قانون را تضعیف نموده است.

از لحاظ سیاسی، ناتوانی غنی در تأمین منافع بسیاری از زورمندان که او را در رسیدن به قله‌ی سیاسی در سال ۲۰۱۴ کمک کردند، نارضایتی‌ها را در میان نخبگان افغانستان دامن می‌زند. حامیان سابق غنی -از جمله وزیر تجارت سابق انورالحق احدی، رییس‌جمهور سابق صبغت‌الله مجددی، و حاجی ظاهر قدیر از افراد قدرتمند ننگرهار- راه خود را از او جدا کرده و به‌شکلی فزاینده تبدیل به منتقدان دولت وحدت ملی می‌شوند.

به‌طورمشابه، عطا محمد نور، والی بلخ و حامی جدی عبدالله در انتخابات ریاست‌جمهور سال ۲۰۱۴، آشکارا نارضایتی خود را از این دولت ابراز کرده است. سال گذشته، عطا محمد نور به خبرنگاران گفت: «تمام آن‌چه آن‌ها انجام می‌دهند، یک نمایش است». زمانی که از او در رابطه با این پرسیده شد که آیا دولت وحدت ملی به وعده‌های انتخاباتی‌اش عمل کرده است، او گفت: «من نمی‌توانم درحال حاضر هیچ موفقیتی در این زمینه را به یاد بیاورم». بسیاری از فرماندهان قدرتمند سابق مجاهدین از ولایت مادری عبدالله، پنجشیر، از این خشمگین هستند که دولت وحدت ملی هیچ موقعیت برجسته‌ای در دولت به مردم پنجشیر نداده است.

درحقیقت، عبدالله که حمایت تعداد زیادی از فرماندهان سابق مجاهدین را در انتخابات با خود داشت، نتوانسته است کاری کند که آن‌ها خواستار انحلال دولت وحدت ملی نشوند.

اگرچه درحال حاضر توجه اصلی بر تهدیدات نظامی جدید بر افغانستان متمرکز است، شکست‌های سیاسی دولت وحدت ملی، که اغلب با شکست ابتکارات سیاست خارجی ایالات متحده پیچیده‌تر می‌شود، تهدیدی به‌مراتب جدی‌تر برای ثبات افغانستان در بر دارد تا بدتر شدن شرایط امنیتی. در طی ۱۸ ماه، پس از آن که در نتیجه‌ی توافق تقسیم قدرت که با میانجی‌گری ایالات متحده اتفاق افتاد، دولت وحدت ملی روی کار آمد، نه طالبان و نه دولت اسلامی هنوز به تهدیدی وجودی برای دولت مرکزی افغانستان تبدیل نشده بودند. اما ناتوانی دولت وحدت ملی برای عمل به وعده‌های اصلاحاتی‌اش، حمایت‌های سیاسی را برای دستورکار ملی آن کاهش داد، و هم‌چنین رویکرد ساده‌لوحانه‌ی آمریکا نسبت به کابل، به‌شکل فزاینده افغانستان را در مسیری به سوی بحران سیاسی قرار داده است.

برای تشریح این وضعیت بالقوه فاجعه‌بار، مهم است تا این مسئله را بررسی کنیم که دولت وحدت ملی چگونه چنین بازی ضعیفی را از خود نشان داده است.

رییس‌جمهور اشرف غنی و رییس اجراییه عبدالله، دولتی را به ارث بردند که در همان زمان نیز دچار مشکلات فراوانی بود. نرخ رشد اقتصادی افغانستان از ۱۴٫۴ درصد در سال ۲۰۱۲، به ۱٫۳ درصد در سال ۲۰۱۴ سقوط کرده بود. اگرچه هنوز خیلی زود است تا میزان آسیب ناشی از این رکود را ارزیابی کنیم، در اطلاعات‌نامه‌ی سازمان سیا اشاره شده است که خروج نیروهای ائتلافی ناتو «تأثیری منفی بر رشد اقتصادی داشته است». به‌طور خاص‌تر، بیش از نیمی از تولید ناخالص داخلی افغانستان در سال ۲۰۱۲، به بخش خدماتی مربوط بود که تا حد زیادی توسط حضور گسترده‌ی بین‌المللی تأمین می‌شد.

گزارش سال ۲۰۱۳ بانک جهانی نشان می‌دهد که علاوه بر تأثیر مستقیم اقتصادی در این بخش، «افزایش عدم اطمینان که ناشی از انتقال سیاسی و امنیتی است» و «خشونت، جرایم اقتصادی، و فساد سیستماتیک» نیز بر رکود تأثیرگذار بوده است.

دولت وحدت ملی قادر بوده است تا درآمد داخلی را در سال ۲۰۱۵ افزایش دهد، اما یک مطالعه‌ی اخیر توسط آژانس همکاری‌های توسعه‌ی بین‌المللی سوئد این نکته را برجسته کرده است که در آینده، «یک نظام مالی ضعیف، توانایی دولت وحدت ملی را برای جمع‌آوری درآمد مالیاتی و ارائه‌ی خدمات و کالاهای ضروری عمومی محدود خواهد کرد». علاوه‌براین، در اولین سال دولت وحدت ملی، غنی و عبدالله مجبور بوده‌اند تا با تعدادی بی‌سابقه از تلفات ملکی و افزایش متناوب و ۲۸ درصدی تلفات نیروهای امنیت ملی افغانستان دست و پنجه نرم کنند. هم‌چنین، چالش‌های اقتصادی و امنیتی، افغان‌ها را وادار کرده است تا کشور را با چنان سرعتی ترک کنند که اداره‌ی پاسپورت نمی‌تواند به همان سرعت برای آن‌ها مدارک لازم را تهیه کند.

درحالی که آسان است تا بخش بزرگی از بار تقصیر را بر عهده‌ی دولت ضعیف رییس‌جمهور سابق حامد کرزی قرار دهیم، اما بسیاری از مشکلات دولت وحدت ملی توسط عملکرد بی‌اساس واشنگتن درقبال این دولت در طی ۱۸ ماه گذشته ایجاد شده است. تقسیم قدرت میان دو رقیب اصلی درطول پروسه‌ی انتخابات، تعهدی بلندپروازانه بود که توسط واشنگتن حمایت شده و بر افغانستان تحمیل شد.

با این حال، مخرب‌ترین واقعیت این است که ایالات متحده و سازمان ملل متحد به‌عنوان امضاکننده‌ها و تضمین‌کننده‌های توافق‌نامه‌ی دولت وحدت ملی، از زمان آغاز این حکومت کار اندکی برای حفظ رهبری افغان‌ها در مسیر درست انجام داده‌اند. می‌توان گفت که آن‌ها بیش از حد با مدارا برخورد کرده‌اند. بدون ارتباط برقرارکردن میان نقاط عطف مشخص به حمایت مالی بین‌المللی برای پیشرفت دولت وحدت ملی، ایالات متحده و دیگر حامیان بین‌المللی ناخواسته به ایجاد وضعیتی آشفته کمک کرده‌اند که امروز افغانستان با آن درگیر است. متأسفانه، یک دولت وحدت ملی پر از تکنوکرات‌های پرانرژی و توانا، فلج باقی مانده است. و اگرچه رییس‌جمهور اشرف غنی وعده داده است مکانیسم‌هایی را برای احیای اقتصادی در آستانه‌ی شکست به اجرا درآورد، او بیشتر زمانش را برای مقابله با مشکلات

شهروندی بریتانیا را کسب کرده باشند، نیز از نظر حقوق مدنی و سیاسی با شهروندان بومی این کشور مساوی هستند. حکومت بریتانیا، مثل بسیاری از کشورهای حکومت‌های دموکراتیک، به‌عنوان یک نهاد سیاسی مردمی (و نه ایدئولوژیک) عمل می‌کند و قانوناً موظف به تضمین و محافظت از حقوق شهروندان خود، فارغ از تبار آن‌هاست.

بنابراین، عبارت «شهروند بریتانیا» رابطه میان شهروند-حکومت و شهروند-شهروند را براساس قوانین این کشور تصریح می‌کند و جای اما و اگر باقی نمی‌گذارد. با این‌همه، «شهروند بریتانیا بودن» برای یک اسکاتلندی یا ایرلندی و یا یک مهاجر آسیایی‌تبار، به معنای گذر از فرهنگ و زبان و خصوصیت‌های قومی او نیست. اتفاقاً، همین خصوصیات فرهنگی و زبان و تاریخی نیز جزو حقوق شهروندی‌ست که حکومت موظف به تضمین و حفاظت از آن است. همان‌طور که حکومت از نظر قانونی موظف است که به شهروندان بریتانیایی مسلمان (و یا پیروان دیگر ادیان) کمک کند که محل عبادت خود را داشته باشند و یا به فرزندان شهروندان مهاجر خود کمک کند که زبان مادری خود را از یاد نبرند.

به این ترتیب واژه‌ی عام بریتانیایی شبیه چتری‌ست که تمام شهروندان این کشور را پوشش می‌دهد. اما «بریتانیا» نام هیچ قومی نیست، بلکه نامی‌ست که رمان‌ها به این سرزمین داده‌اند.

### رعیت، شهروند یا تبعه؟

قبل از هر چیز، ما در افغانستان نیاز داریم که بپذیریم که ساکنان افغانستان، نه رعیت یا تبعه، بلکه یک شهروند با تعریف مدرن‌اند. در یک حکومت دموکراتیک حقوق مدنی و سیاسی شهروند است که قوانین را تعیین می‌کند و نه برعکس و این حقوق برتر از دستورات و آموزه‌های هر دین و عرف و فرهنگ و تبار است.

به این ترتیب، نام ملیت شهروندان افغانستان، هر چه که باشد، یک مفهوم حقوقی و سیاسی‌ست که هدف آن تبیین رابطه و مناسبات برابر میان شهروندان و قدرت است.

با توجه به آن‌چه که گفته شد، اکنون معضل اصلی در افغانستان این است که شهروندان غیرپشتون خود را با حکومت طرف می‌دانند. این واقعیتی انکارناپذیر است که پشتون‌ها به‌طور تاریخی سهمی به مراتب بیشتر در قدرت داشته‌اند و به شیوه‌های مختلف تلاش کرده‌اند که این برتری در قدرت سیاسی را حفظ کنند و به شکل قانون نانبسته به مردمان افغانستان بقبولانند. این امر منجر به بی‌اعتمادی میان اقوام ساکن این کشور شده و پیامدهای این بی‌اعتمادی همه، از جمله پشتون‌ها، را همواره متضرر کرده است.

تا پیش از این، حکومت می‌توانست با شیوه‌های مختلف، از جمله سرکوب، به این برتری‌خواهی خود ادامه دهد. اما حالا با توجه به تغییر اساسی شرایط افغانستان و به‌خصوص آغاز روند دموکراسی در این کشور و موجودیت رسانه‌های آزاد، این برتری‌خواهی سنتی در حکومت خود را به شکل جنجال‌های متفاوتی در جامعه بروز می‌دهد.

اما وقتی هویت حقوقی و سیاسی شهروندان افغانستان در برابر یکدیگر و در برابر قدرت و حکومت تعریف، تثبیت و تحکیم شده باشد، نزاع‌ها و اختلافات بر سر هویت‌های تاریخی اقوام، نه تنها جای نگرانی نیست، بلکه اتفاقاً به غنای فرهنگی و علمی آن‌ها خواهد افزود. وقتی شهروندان افغان، از هر قوم و تباری، اعتماد داشته باشند که حکومت و قوانین نافذ حقوق مدنی و سیاسی آن‌ها تضمین و حفاظت می‌کند، آن‌گاه توقع قومی خود به یکی از ابزارهای قدرتمند ملی تبدیل خواهد شد.

### درک متقابل حساسیت و لزوم سازش

با آن‌که «سازش نکردن» یکی از افتخارات دائمی مردمان افغانستان و برخی کشورهای همسایه بوده، اما وقت آن است که بپذیریم سازش از مهم‌ترین خصوصیت‌های انسانی و مدرن است. سازش به معنای هم‌پذیری و درک متقابل است و «سازش نکردن» چیزی جز لجبازی بچه‌گانه و تنگ‌نظرانه نیست.

حساسیت و نگرانی برخی شهروندان افغانستان نسبت به اطلاق واژه‌ی «افغان» به همه‌ی افغان‌ها حساسیتی مشروع و منصفانه است که نمی‌توان از آن چشم پوشید. استناد به قانون اساسی که همه‌ی باشندگان این کشور را «افغان» نامیده نیز کافی نیست. تغییر دادن قوانین از جمله قانون اساسی، با هدف حصول اطمینان از تضمین و حفاظت از حقوق شهروندان نشان از پویایی و عقلانی بودن یک جامعه و ساختارهای حکومتی را دارد.

اما از سوی دیگر، همان‌طور که پشتون‌ها نباید بر مواضع جنجال‌برانگیز خود اصرار کنند، غیرپشتون‌ها نیز نمی‌توانند انتظار داشته باشند که تمام توقعات آن‌ها برآورده شود. توافق بر سر اختلاف نظرات نه با پشت حریف را به خاک رساندن کسب می‌شود و نه چنان کاری می‌تواند افتخاری باشد. سازش به معنای کوتاه آمدن از مواضع با هدف توافق بر سر واقعیت‌های اجتماعی و پرهیز از ادعاهای بی‌اساس است.

به‌عنوان مثال ادعای مالکیت حکومت‌های افغانستان بر سرزمین‌های آن‌سوی خط دیورند و لجاجت در به رسمیت نشناختن مرز بین‌المللی افغانستان با پاکستان، به همان اندازه کودکانه و ناممکن است که اصرار بر «خراسان» نامیدن افغانستان، سیاست حکومت در قبال زبان فارسی به بهانه‌ی حفظ مصطلحات خیالی ملی به همان اندازه حساسیت‌برانگیز است که «قبیله‌ای و بدوی خواندن» پشتون‌ها.

در یک سازش معقول می‌توان به این توافق رسید که حکومت سیاست‌های دیرینه خود را در ارتباط با خط دیورند دوباره ارزیابی کند و طرف دیگر نیز درک کند که هرچند اشتراک فرهنگی و زبانی و تاریخی ما با کشورهای همسایه‌مان اهمیتی راستین دارد، اما زمانی شهروندان افغانستان از این اشتراکات بهره‌ی واقعی خواهند برد که هویت سیاسی آن‌ها به‌عنوان شهروندان افغانستان از سوی همسایگان‌شان به رسمیت شناخته شود و مورد احترام باشد.

در یک سازش معقول می‌توان حکومت را متقاعد کرد که برخی سیاست‌های آن به معنای واقعی فارسی‌ستیزانه است، در حالی که وظیفه قانونی آن حمایت از تمامی زبان‌های رایج (از جمله فارسی و پشتو) است و فارسی‌ستیزی نقض قانون و نقض حقوق مسلم شهروندان افغانستان است. در چنین سازشی می‌توان سوی دیگر را نیز متقاعد کرد که منافع غیرپشتون‌ها نیز در همدلی و احترام متقابل با دیگر اقوام، از جمله پشتون‌ها نفهته است.



# افغان بودن یا نبودن: مسأله این است؟

عزیز حکیمی

درج شدن یا نشدن واژه‌ی «افغان» به‌عنوان ملیت شهروندان افغانستان در کارت‌های شناسایی جدید ظاهراً یکی از دلایلی‌ست که روند صدور این کارت‌ها را مختل کرده است. این واژه مدت‌هاست که منبع یکی از اختلافات پیچیده در میان اقوام افغانستان شده؛ تقریباً همه‌ی پشتون‌ها خود را افغان می‌دانند، اما دست‌کم بخشی از غیرپشتون‌ها این واژه را نام دیگر «قوم پشتون» دانسته و می‌گویند قبول نام «افغان» به‌عنوان نام ملیت ساکنان این کشور، به خودی خود به معنای انکار اقوام دیگر می‌تواند تلقی شود.

طرفداران و مخالفان استفاده از واژه‌ی «افغان» هر دو حداقل در ظاهر کم و بیش یک استدلال و یک هدف دارند. هر دو طرف می‌گویند می‌خواهند که باشندگان افغانستان به‌عنوان شهروندانی که از نظر حقوقی مساوی‌اند، خود را یک ملیت واحد بدانند.

موافقان واژه‌ی «افغان» می‌گویند این واژه می‌تواند به‌عنوان نامی که در قانون اساسی به باشندگان افغانستان داده شده، آن‌ها را تحت یک نام واحد جمع کند و استدلال آن‌ها بیشتر بر اسناد و شواهد تاریخی این واژه استوار است.

مخالفان اطلاق این واژه باور دارند که «افغان» از قوم پشتون نمایندگی می‌کند و اطلاق آن بر همه ساکنان افغانستان به معنای آن خواهد بود که حقوق اقوام غیرپشتون در نظر گرفته نشود. علاوه بر این، مخالفان نیز با استناد به تاریخ تأکید می‌کنند که اقوام غیرپشتون نیز شاخصه‌های برجسته تاریخی خود را دارند و کاربرد واژه‌ی «افغان» می‌تواند باعث کمرنگ شدن این شاخصه‌ها شود.

اما آیا می‌توان پیرامون واژه‌ی «افغان» به یک توافق عمومی در جامعه دست یافت؟ شاید چنین توافقی ممکن باشد، به این شرط که بتوانیم از زاویه‌ای متفاوت به این موضوع بنگریم. آیا افغان به معنای پشتون است؟

هر چند برخی از نخبگان غیرپشتون و نیز پشتون، هر کدام به دلایل خود، تلاش می‌کنند این طور تلقی کنند که افغان به معنای پشتون است، اما واقعیت اجتماعی ما این است که عموم پشتون‌ها واژه‌ی افغان را به معنای کلی باشنده‌ی افغانستان بیشتر به کار می‌برند تا اشاره به قوم پشتون. پشتون‌ها رسوم و عادت خود را «پشتون‌والی» می‌نامند نه «افغان‌والی». حتا واژه‌ی «پشتون» نیز نام عمومی این قوم است که قبایل و زیرشاخه‌های بسیار زیادی در افغانستان، پاکستان و حتا هند دارد و هر کدام از آن‌ها نام‌های خاص خود را دارند، که اتفاقاً در هیچ‌کدام از آن‌ها واژه‌ی «افغان» یا حتا «پشتون» به کار نرفته. این را نیز که می‌دانیم اختلافات تاریخی میان قبایل اصلی پشتون در افغانستان (مثلاً درانی‌ها و غلزایی‌ها) همواره وجود داشته است.

در واقعیت امر، وقتی صحبت از قوم و ملیت باشد بیشتر شهروندان عادی پشتون ترجیح می‌دهند در معرفی خود، به‌طور خاص به نام قوم خود اشاره کنند، به‌صورت عمومی خود را پشتون بنامند و به‌عنوان باشندگان یک منطقه‌ی جغرافیایی خود را افغان بدانند. هرچند، در میان فارسی‌زبان‌ها، به دلیل ناآشنایی آن‌ها با ساختارهای نسبتاً پیچیده اقوام پشتون و برای آسانی کار، واژه‌های «افغان»، «اوغان» و «اوغن» را به‌طور خاص برای اشاره به پشتون‌ها به کار می‌برند. همان‌طور که برای اشاره به شیعیان در مناطق غربی افغانستان از واژه‌ی «پارسی» استفاده می‌شده و هنوز هم میان سالمندان این مناطق این واژه به شیعه بودن یک فرد اشاره دارد. با این حال، به‌طور کلی، بیشتر شهروندان عادی افغانستان، از جمله فارسی‌زبان‌ها، از کاربرد واژه‌ی «افغان» (نه اوغان یا واژه‌ی نسبتاً تحقیرآمیز «اوغن») برای اشاره به ملیت خود ابایی ندارند.

در یک نظرسنجی که نشریه افغانستان مونیتور در سال ۲۰۱۳ انجام داد معلوم شد که از بیش از پنج هزار اشتراک کننده در این نظرسنجی، کمی بیش از پنجاه‌درصد (۲۶۰۰ نفر) با درج واژه‌ی «افغان» به‌عنوان نام ملیت آن‌ها در شناسنامه‌های الکترونیکی مخالفتی ندارند. از این جمع ۲۵۰۰ نفر موافق درج نام قوم در این شناسنامه‌ها بودند. با توجه به این که افغانستان مونیتور به زبان فارسی‌ست و بنابراین، اکثریت اشتراک‌کنندگان غیر پشتون بودند، می‌توان در این ادعا که غیرپشتون‌ها خود را افغان نمی‌دانند، تردید کرد.

هرچند اسناد و مدارک تاریخی وجود دارد که نشان دهد واژه‌ی افغان (یا واژه‌های قدیمی‌تر

مثل ایگان یا ایگان) به اقوام ساکن در سرزمین‌هایی که امروز بخشی از افغانستان یا پاکستان است، اطلاق می‌شده، اما تحقیق درباره این اسنادها و مدارک تاریخی همواره نتایجی متفاوت به دنبال داشته و بنابراین نمی‌توان به‌طور قطع نتیجه‌ی یک تحقیق را بر دیگری برتری داد.

این را نیز نباید از یاد برد که تحقیق درباره ریشه‌های مردمان هر کشوری آن‌ها را به اقوامی ارتباط می‌دهد که شهروندان امروز آن کشور خود را با آن‌ها بیگانه حس می‌کنند. انگلیس‌های امروز هرچند می‌دانند نوادگان اقوام جرمانیک آنکِل و ساکسون هستند که هزار و پنجاه سال پیش در «بریتانیا»ی تحت حاکمیت امپراطوری رِم ساکن شدند، اما با آن‌که نام سرزمین و ملیت این مردمان (انگلتند/انگلیش) ریشه در همین واقعیت تاریخی دارد، انگلیس‌های امروزی به ریشه جرمانیک خود تعلق خاطر نمی‌دارند.

یا کشور آمریکا نام خود را از امریگو وسپوچی، کاشف و نقشه‌بردار ایتالیایی کم‌ترشناخته شده گرفته که بعد از کریستف کلمب بخش‌های وسیعی از خاک اصلی آمریکا را کشف و نقشه‌برداری کرد. اما آمریکایی‌های امروز نسبتی با امریگو وسپوچی یا ایتالیا ندارند.

باشندگان افغانستان امروزی نیز، هرچند نوادگان اقوامی به نام «ایگان یا ایگان افغان» ممکن است باشند که هزارها سال پیش در مناطقی که امروز افغانستان نیز بخشی از آن است زندگی می‌کرده‌اند، ولی منطقی نیست تصور کنیم هنوز هم واژه‌ی افغان نمایندگی از یک قوم خاص می‌کند.

واقعیت مهم این است در تاریخ معاصر افغانستان واژه‌ی افغان بر باشندگان جغرافیایی افغانستان امروزی اطلاق می‌شود و حداقل تا همین دو سه دهه پیش، این واژه منبع اختلاف جدی میان اقوام نبوده است. به عبارتی، بحث «افغان» بودن یا نبودن اقوام غیرپشتون، بیش از آن‌که دغدغه شهروندان عادی این کشور باشد، نگرانی نخبگان و تحصیل‌کرده‌های اقوام غیرپشتون است که به دلایل زیادی انصافاً حق دارند نگران آن باشند که اطلاق واژه‌ی «افغان» (که در حال پشتون‌ها خود را با آن راحت‌تر احساس می‌کنند) منجر به نادیده گرفته شدن حقوق اقوام غیرپشتون در مناسبات قدرت شود.

این نگرانی غیرپشتون‌ها به‌خصوص از این لحاظ مشروعیت دارد که در همین دهه‌های اخیر، طرف مقابل، یعنی برخی نخبگان پشتون نیز دریافته‌اند که استفاده‌ی ابزاری از واژه‌ی «افغان» می‌تواند کفه‌ی مناسبات قدرت را به نفع آن‌ها سنگین کند و عمداً تلاش کرده‌اند این واژه را به نفع خود مصادره کنند.

### ملیت یا قومیت؟

تردیدی نیست که در وضعیت پیچیده اجتماعی و سیاسی افغانستان، توافق عمومی بر روی نام ملیت می‌تواند کمک بزرگی به پیشرفت سیاسی و اجتماعی و همبستگی میان شهروندان این کشور باشد. اما نگرش حاکم بر معضل ملیت به شدت تاریخ‌محور است و نه معطوف به آینده. با این حال، این نکته مثبت را نیز نمی‌توان انکار کرد که نفس به‌وجود آمدن این بحث به این معناست که افغانستان امروز از حاکمیت تک‌قومی عبور کرده است. قبول این واقعیت که بازگشت به دوره‌ای که یک قوم بتواند بر همه اقوام حاکمیت کند، ناممکن است، عاملی مهم در پیشرفت این بحث و رسیدن به یک اجماع عمومی خواهد بود.

افغانستان کنونی، با توجه به دستاوردهای دموکراتیک، مجال آن را دارد که از این بن‌بست نیز عبور کند، اما به نظر می‌رسد این امر مستلزم آن است که نخبه‌گان دو طرف نگرش خود به موضوع را به‌طور اساسی تغییر داده و اهداف خود را دوباره بررسی کنند.

به نظر می‌رسد که هر دو طرف بر این موضوع توافق دارند که شهروندان افغانستان هویت خود را به‌عنوان یک «ملت» بازبایند. توافق عمومی بر سر این که شهروندان یک کشور چه نامیده شوند، بیش از آن‌که اهمیتی اجتماعی، فرهنگی یا تاریخی باشد، موضوعی‌ست سیاسی که می‌تواند به مثابه تضمین هویت برابر شهروندان در یک کشور باشد.

به‌عنوان مثال مردمان انگلند، ولز، اسکاتلند و ایرلند شمالی که سرزمین‌های آن‌ها بریتانیایی امروز را تشکیل می‌دهد، از هر تباری که باشند، به چشم حکومت «شهروند بریتانیا» هستند. صدها هزار مهاجر آسیایی و ترک و عرب و افغان و ایرانی و دیگر مهاجران که به‌طور قانونی

❖ صاحب امتیاز و مدیرمسئول: ذکی دریابی zaki.daryabi2@gmail.com  
 ❖ معاون مدیرمسئول: حمیرا رسا  
 ❖ سردبیر: جواد ناجی jawad.najee@gmail.com  
 ❖ دبیر خبر: عصمت الله سروش  
 ❖ گزارشگر: نازنین شفایی، راحله رسول  
 ❖ ویراستار: الیاس نو اندیش  
 ❖ صفحه آرا: هادی دریابی  
 ❖ بازارباز: محمد حسین جويا ۰۷۶۷۱۵۲۰۶۲  
 ❖ ایمیل: dailyetilaaetroz@gmail.com  
 ❖ آدرس: کابل، کارته سه، سرک شورا  
 ❖ شماره تماس: ۰۷۸۹۶۴۵۱۶۰  
 ❖ مسئول توزیع: روح الله مرادی ۰۷۷۶۹۴۰۴۵۴ / ۰۷۹۲۹۱۹۳۳۲

**هر روز روزنامه اطلاعات روز را پشت در منزل‌تان در یافت کنید**

Subscribe to Daily Etilaat Roz		برای ادارات دولتی و شرکتهای		برای متعلمین و محصلین	
6 Months	120\$ USD	۳۰۰۰ افغانی	شش ماهه	۲۰۰۰ افغانی	شش ماهه
Annual	200\$ USD	۵۰۰۰ افغانی	یک ساله	۴۰۰۰ افغانی	یک ساله

**یادداشت: تنها یادداشت روز دیدگاه رسمی اطلاعات روز می باشد. مسئولیت سایر نوشته ها به نویسندگان آن بر می گردد.**



## اتریش اجرای محدودیت‌های جدید برای ورود پناهجویان را آغاز کرد

همزمان یونان نیز از اقدام جدید اتریش ابراز نگرانی کرده است. به گفته‌ی الکسیس سیپراس، نخست وزیر یونان محدودیت‌های جدید موجب سرگردانی هزاران پناهجو در خاک این کشور خواهد شد. وی پیش‌تر از اتریش خواسته بود که اجرای مقررات جدید را تا نشست اتحادیه اروپا با ترکیه در ششم مارچ به تعویق بیندازد.

مقررات اروپایی است. با این وجود وزیر داخله اتریش گفته است: «ما یک هدف داریم و آن هم کاهش شمار مهاجران غیرقانونی است. هر کشور باید خودش تصمیم بگیرد و من از تصمیمی که گرفته‌ایم راضی‌ام. همه باید این نکته را در نظر بگیرند که ما نمی‌توانیم هدف نهایی خود را با محدودیت‌های موجود عملی کنیم، به بیان دیگر باید محدودیت‌ها را کاهش دهیم.»

**اطلاعات روز:** اتریش از روز جمعه محدودیت‌های جدیدی برای ورود پناهجویان به این کشور وضع کرد. بر این اساس روزانه تنها ۸۰ متقاضی پناهندگی به‌صورت مستقیم و ۳۲۰۰ نفر از طریق ترانزیت می‌توانند وارد خاک اتریش شوند. به گزارش یورونیوز، این تصمیم مورد انتقاد مقامات اتحادیه اروپا قرار گرفته است. به گفته‌ی رییس کمیسیون اروپا محدودیت‌های جدید بر خلاف

## اعلام وضعیت فوق‌العاده در سه شهر هند در پی ادامه خشونت‌ها

این ناآرامی‌ها شبیه ناآرامی پاتل‌ها در ایالت گجرات در ماه اگست سال گذشته گذشته است. جات‌ها یکی از معدود گروه‌های هند هستند که محافظان گارد ریاست جمهوری از میان آن‌ها برگزیده می‌شوند. هم‌اکنون آن‌ها در پنج ایالت کشور از حقوق دسترسی به سهمیه‌های دولت بهره مند هستند و حالا می‌خواهند امتیازشان بیشتر باشد.

از ارتش خواسته شده نظم را در ایالت برقرار کند. طی مدت کم‌تر از یک سال این دومین بار است که اعضای اقلیت «جات» در ایالت هاریانا دست به آشوب می‌زنند. جات‌ها یکی از کاست‌های مقیم در چند ایالت شمالی هند و برخی از مناطق پاکستان هستند. ایالت هاریانا نزدیک به دهلی، پایتخت کشور هند است و معترضان تلاش کرده‌اند راه‌های متصل با مناطق دیگر شمالی کشور را ببندند.

**اطلاعات روز:** مقامات در سه شهر ایالت هاریانا در شمال هند که صحنه ادامه اعتراضات بوده‌اند، وضعیت فوق‌العاده اعلام کرده‌اند. به گزارش بی‌بی‌سی، از روز جمعه پس از آن‌که نمایندگان اقلیت «جات» در این ایالت با تقاضای دسترسی به مشاغل دولتی و سهمیه‌های آموزشی دست به تظاهرات زدند، سه نفر کشته شده‌اند. روز جمعه معترضان خانه وزیر دارایی/مالیه ایالت هاریانا را به آتش کشیدند.

## پاکستان تحریم‌های وضع شده علیه ایران را لغو کرد

پاکستان با ایران چند صد کیلومتر مرز مشترک زمینی دارد و دو کشور در زمینه‌های مختلفی از جمله صنعت بانکی، انرژی و فن آوری با همدیگر همکاری می‌کنند. پس از توافق هسته‌ای ایران با کشورهای ۵+۱، پاکستان از جمله کشورهایی بود که از این توافق استقبال نمود.

نواز شریف، نخست وزیر پاکستان در جنوری امسال به ایران سفر کرد. سفر وی بیشتر به منظور گسترش سطح روابط اقتصادی دو کشور پس از اجرای توافق نامه هسته‌ای برجام بوده است. هم‌چنان طرح لوله انتقال گاز ایران به پاکستان به نام خط لوله صلح از جمله طرح‌های مشترک دو کشور است که اجرای این طرح سال‌هاست که به تأخیر افتاده است.

**اطلاعات روز:** دولت پاکستان جمعه شب تحریم‌های وضع شده علیه ایران را لغو کرد. به نقل از بی‌بی‌سی، با لغو این تحریم‌ها بار دیگر روابط تجاری، اقتصادی ایران و پاکستان از سر گرفته خواهند شد. این تحریم‌ها در پی قطع نامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل متحد علیه ایران به اجرا در آمده بودند.

## پایگاه اصلی داعش در شمال شرقی سوریه به دست نیروهای کرد افتاد

می‌گوید برپایه تماس‌های «مداوم» با رابط‌های متعدد خود در سوریه، این خبر را تأیید می‌کند که نیروهای دموکراتیک سوریه در روزهای اخیر روستاهای بسیاری را از داعش بازپس گرفتند. نیروهای دموکراتیک سوریه، متشکل از نیروهای کرد، شبه نظامیان آشوری، ارمنی، عرب و ترکمن، در ائتلاف با یگان‌های مدافع خلق، پ پ ک هستند. پایگاه اصلی این گروه در ولایت حسکه است. این گروه، پنج‌شنبه، ۱۸ فبروری اعلام کرده بودند که عملیاتی را برای تصرف الشدادی آغاز کرده‌اند.

شرقی سوریه بود. در این تصاویر، پرچم‌های داعش دیده می‌شود که در قسمت‌های مختلف این تأسیسات نفتی افراشته شده است. بازپس‌گیری این پایگاه از شبه نظامیان داعش می‌تواند موجب تضعیف و محاصره داعش در شهر رقه، پایتخت خودخوانده این گروه اسلام‌گرا در سوریه شود. دیده‌بان حقوق بشر سوریه مستقر در بریتانیا با تأیید این خبر، «سقوط» این پایگاه را «انفجار روانی برای داعش» می‌خواند. رامی عبدالرحمان، مدیر دیده‌بان حقوق بشر سوریه

**اطلاعات روز:** یکی از پایگاه‌های اصلی داعش در ولایت حسکه، در شمال شرقی سوریه به تصرف نیروهای کرد درآمد. سایت خبری یورونیوز، در آغازین ساعات شنبه، اول حوت گزارش داد، نیروهای دموکراتیک سوریه، پایگاه اصلی داعش را در نزدیکی شهر الشدادی تصرف کردند. به گزارش رادیو زمانه، تصاویر منتشر شده از این منطقه نشان می‌دهد که یک تأسیسات نفتی در ۱۲ کیلومتری شهر الشدادی به‌دست نیروهای کرد افتاده است. این منطقه آخرین پایگاه اصلی تحت کنترل داعش در مناطق کردنشین شمال

## دولت بریتانیا تاریخ برگزاری همه‌پرسی

### برای ترک یا ماندن در اتحادیه اروپا را اعلام کرد



است که متن این توافق کاملاً مشخص کرده که بریتانیا در مورد موضوعات مربوط به حوزه یورو حق و تو ندارد. آنگلا مرکل، صدراعظم آلمان هم ضمن منصفانه توصیف کردن این توافق تأکید کرده که برعکس او، نخست وزیر بریتانیا به وضوح علاقمند به یک اتحادیه سیاسی نیست. فرانسوا اولاند، رییس جمهور فرانسه هم گفته است که این توافق امتیاز ویژه‌ای به بریتانیا نمی‌دهد. دیوید کامرون، نخست وزیر بریتانیا روز جمعه در پی نشستی دو روزه در بروکسل با رهبران اتحادیه اروپا بر سر مفادی به توافق رسید که به بریتانیا «موقعیت ویژه‌ای» در این اتحادیه می‌دهد. آقای کامرون تأکید کرده که براساس این توافق برخی از معاهده‌های اتحادیه اروپا با تغییراتی رویه‌رو می‌شوند. بر اساس تغییراتی که آقای کامرون می‌گوید در مصوبات و معاهده‌های اتحادیه اروپا ایجاد می‌شود، بریتانیا اجازه می‌یابد که بنا بر مصالح داخلی خود از اجرای برخی تصمیمات این اتحادیه معاف شود. انتظار می‌رود چندین عضو کابینه برای ترک

**اطلاعات روز:** دیوید کامرون، نخست وزیر بریتانیا، ۲۳ جون سال جاری میلادی را به‌عنوان تاریخ برگزاری فراندوم برای ترک اتحادیه اروپا یا ماندن بریتانیا در این اتحادیه، اعلام کرد. آقای کامرون در پی نشست دو ساعته روز شنبه کابینه بریتانیا، زمان برگزاری این همه‌پرسی را اعلام کرد. به گزارش بی‌بی‌سی، نخست وزیر بریتانیا گفت که او برای ماندن این کشور در اتحادیه‌ای اصلاح شده مبارزه خواهد کرد. آقای کامرون این رای‌گیری را یکی از بزرگ‌ترین تصمیمات دوران زندگی برای نسل فعلی بریتانیا توصیف کرده است. شماری از وزیران دولت بریتانیا از جمله ترزا می، وزیر کشور حمایت خود را از باقی ماندن بریتانیا در اتحادیه اروپا اعلام کردند. تعداد دیگر از اعضای کابینه از جمله مایکل گوو، وزیر دادگستری خواستار ترک بریتانیا هستند. **واکنش‌ها به توافق بریتانیا و اتحادیه اروپا** دونالد توسک، رییس شورای اروپا توافق بین اتحادیه اروپا و بریتانیا را از نظر قانونی الزام‌آور و غیرقابل تغییر دانسته است. ژان کلود یانکر، رییس کمیسیون اروپا هم گفته

## بگو مگو از facebook



Salman Ali Oruzgani

**بی‌باورترین زمامداران' به مردم سالاری!**  
زمامداران افغانستان به‌طور قطعی ثابت کردند که به اندازه یک توت تر هم به مردم‌سالاری باور ندارند.

دراکترکشورهای جهان که انتخابات به‌عنوان یک اصل مردم سالاری و یگانه طریق برای اعمال اراده مردم به حساب می‌آید، زمامداران تمام تلاش و کوشش شان را به خرج می‌دهند تا برای کسب رضایت مردم حرکت کنند.

اما در افغانستان همین که برکسی قدرت تکیه می‌زند، دیگر همه وعده‌ها به ورطه فراموشی سپرده می‌شود که هیچ بلکه برخلاف خواسته‌های مردم، گام برمی‌دارند.

ده‌ها مثال که دال بر این همه بی‌اعتنایی به مطالبات مشروع و قانونی مردم است را همه می‌دانند ولی زمامداران افغانستان خم به ابرو نمی‌آورند و این به وضوح نشان می‌دهد که زمامداران افغانستان عزم راسخ دارند تا به شیوه‌های استبدادی و خودکامه، به حکومت شان ادامه بدهند.



Amrullah Saleh

خبرهای ناخوش در راه هست. تضرع به دشمن و جابه‌جایی‌های کلیدی به فرمایش دشمن نه تنها دردی را دوا نمی‌کند بلکه وحدت نسبی کنونی را نیز صدمه شدید می‌زند. از قرائن بر می‌آید

که طرح‌های جدید و دسیسه‌های جدید که هدف استراتژیک آن تجرید حوزه‌های خاص فکری و سمتی است به اجرا گذاشته شود. آنچه را من خبر می‌شوم و می‌شنوم نشان می‌دهد که همه یک بار دیگر در فکر خوش سازی پاکستان و قناعت نظامیان پاکستان برآمده‌اند. این یک پرش بسیار خطرناک و پیچیده‌ای سیاسی است. بهترین کاری که دولت می‌تواند انجام دهد ایجاد اجماع، تحکیم وفاق ملی و تحکیم روحیه قوای مسلح است. مراجعه به دشمن از پایگاه لرزان سیاسی و غیر ملی نتیجه نخواهد داد. طراحان استراتژی نو باور به اراده‌ای ملی ندارند. عقب‌نشینی منظم از لسلوالی موسی قلعه یکی از گوشه‌های این طرح چند بعدی است.



Sayed A H Sancharaki

**طالبان و توسل به شیوه‌های بزدلانه**

گروه طالبان با ادامه جنگ و وکشتار و تخریب پایه‌های برق و امثال آن جز این که بر نفرت بیشتر مردم از خود بیافزایند نفع دیگری نخواهند برد.

امروز ضربات سختی بر آنان وارد شد و شماری از افراد کلیدی و مهم‌شان را از دست دادند و ده‌ها تن جنگ جوانان شان به خاک و خون افتادند. آنان از این جنگ بی‌بهره و پرتلفات چه سودی می‌برند؟ فردا برق کابل وصل می‌شود و در پهلوی آن قرار است سه صد میگا وات برق دیگر از تاجکستان نیز در لین دیگر وارد کابل شود. مردم کابل اگر چه سختی‌هایی را در زمستان متحمل شدند اما تسلیم نامردی‌های بزدلانه طالبان نشده و نمی‌شوند. پایان این بازی به هیچ وجه به سود گروه طالبان نیست، آنان خود را منزوی‌تر، منفرتر و بدنام‌تر می‌سازند ضمن آن که صدها تن نفرت خود را به کام مرگ می‌اندازند. این گروه اگر به جنگ ادامه می‌دهد بهتر است به شیوه مردانه با نیروهای امنیتی ما مصاف دهد، تخریب دزدانه‌ی پایه‌های برق تنها می‌تواند نشانه ضعف و یک نامردی بزدلانه تلقی شود و بس.



جلیل تجلیل

واگذاری هلمند به چی قیمتی دوباره پس گرفته خواهد شد؟ یا برای همیشه واگذار کردند؟ دندغوری که واگذار شد تاکنون ده‌ها سرباز برای واپس‌گیری آن از حیاتش گذشته؛ اما این بار برای هلمند باید براساس کندک و تولی محاسبه کنیم.

واگذاری‌ها از یک‌سو و جابه‌جایی‌ها از سوی دیگر کشور را در لبه پرتگاه و سقوط کشانده‌است. گزارش منتشر شده در سایت خبرگزاری مرکزی نشان می‌دهد که یکبار دیگر با هرج و مرج‌های جدی و غیرقابل کنترل مواجه خواهیم شد.

بسیاری‌ها تابستان سال آینده را یک فصل تیره و آشوب‌زا می‌خوانند؛ اما از قرار معلوم همین ماه حمل هم دیراست.



نافیذ

روزی که گروه طالبان نوعروس فیروزکوه را به شهادت رساندند خوب به یادم است. روز بدی بود. روز فاجعه. ما همه در کابل بساط ماتم پهن کرده و رخنامه‌های مان را با تصویر بیکر خونین او مزین کرده بودیم. از آن روزها ماه‌ها و فصل‌ها گذشت اما اینک خبر می‌رسد که قاتل او توسط نیروهای امنیتی کشور بازداشت شده است. به نیروهای امنیتی کشور صد آفرین یابد گفت. آن‌ها نشان دادند که می‌توانند وظیفه ایمانی و وجدانی خود را به درستی انجام دهند. اکنون نوبت دستگاه‌های عدلی و قضایی کشور است که پاکی و شفافیت‌نداشته خود را به نمایش گذاشته و با صدور حکم اعدام برای این جانی، نشان دهند که خون او رنگین‌تر از خون نوعروس فیروزکوه نیست.

## هیدینک: چلسی دیگر تیم درجه یک اروپا نیست

تیم‌های شان داشته باشند تا بتوانند طبق آن تیم را برای فصل بعد آماده کنند. این کار کوچکی نیست. نمی‌خواهم وارد جزئیات شوم. من مربی وقت تیم هستم و کسانی که مسئول هر بازی، هر هفته و هر ماه نیستند، دیدی برای آینده و آنچه باشگاه نیاز دارد ندارند.

هیدینک ادامه داد: پتانسیل باشگاه بایرن مونیخ و بارسلونا بسیار زیاد است. در واقع، اگر به پاری سن ژرمن نگاه کنید، آن‌ها تیم بسیار قدرتی متشکل از ۱۵، ۱۶ یا ۱۷ بازیکن درجه یک دارند. ما هم بازیکنان جوانی مقابل پاری سن ژرمن روی نیمکت داشتیم. من ترسی از بازی دادن به آن‌ها نداشتم ولی در چنین دوره‌هایی به نیمکتی نیاز دارید که کمی با تجربه هم باشد.

گاس هیدینک، سرمربی موقت چلسی عنوان کرد که تیمش در حال حاضر، یک تیم درجه یک اروپایی نیست ولی توانایی رسیدن به این سطح را دارد.

چلسی در حال حاضر در رده‌ی دوازدهم لیگ برتر قرار گرفته و ۱۴ امتیاز با تیم چهارم جدول فاصله دارد و تقریباً کسب سهمیه برای‌شان غیرممکن است. هیدینک که در اواسط نیم فصل اول جانشین مورینیو شد، سعی کرده نتایج بهتری با این تیم کسب کند ولی تا به این‌جا کار ناکام بوده است. حال او عنوان کرد که آبی‌ها دیگر جزء تیم‌های درجه یک اروپا نیستند.

او گفت: کار کوچکی نیست. نمی‌خواهم این مساله خیلی باز شود ولی همه باید تحلیل خوبی از قدرت و ضعف

## ماسکرانو: لیورپول مانع پیوستنم به لیگ برتر نمی‌شود

خاویر ماسکرانو، هافبک بارسلونا عنوان کرد که سابقه پوشیدن پیراهن لیورپول باعث نمی‌شود که او به تیم انگلیسی دیگری نپیوندد.

هافبک آرژانتینی بین سال‌های ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۰، سه سال و نیم در آنفیلد سپری کرد و سپس از این تیم به بارسلونا پیوست. حال او عنوان کرد که چنین سابقه‌ای باعث نمی‌شود در صورت دریافت پیشنهاد خوب از تیم‌های لیگ برتر به آن‌ها فکر نکند.

او گفت: احساس من به لیورپول به این معنا نیست که به آن‌ها دوخته شده‌ام. برایم خیلی مهم هستند و همیشه نیز خواهند بود ولی اگر در آینده یک تیم لیگ برتر به من پیشنهاد بدهد، نمی‌گویم «من فقط برای لیورپول بازی خواهم کرد». ما حرفه‌ای هستیم و این زندگی ماست. هر اتفاقی بیفتد، احساس من نسبت به لیورپول تغییر نمی‌کند. لیورپول یکی از بهترین تیم‌هایی بود که من برایش بازی کردم ولی باشگاه مشکلاتی داشت. من هیچ‌گاه مالکان را ندیدم.

## نیمار: دوست دارم رونالدو برای بارسا بازی کند

جالبی مطرح کرد و گفت: کریستیانو رونالدو یک نابغه و بازیکنی خارق‌العاده است. اگر او به بارسلونا بیاید و برای ما بازی کند عالی خواهد شد. دوست دارم او را در بارسا ببینم.

نیمار در مورد گواردیولا و مورینیو نیز گفت: مدت‌هاست که عملکرد این دو مربی را زیر نظر دارم و معتقدم که جزء بهترین مربیان تاریخ فوتبال هستند ولی من بازیکن بارسا هستم، مربی من در حال حاضر لوتیز انریکه است و از نظر من نیز او بهترین است.

نیمار، ستاره برزیلی بارسلونا در جدیدترین مصاحبه خود اعتراف کرد که یکی از هواداران کریستیانو رونالدو است.

نیمار که این روزها شایعات زیادی در مورد جدایی او از بارسا در انتهای فصل به گوش می‌رسد، هم‌چنان قرارداد خود با آبی‌اناری‌ها را تمدید نکرده که این مساله باعث شده باشگاه‌های بزرگی چون سیتی، یونایتد، رئال و PSG در اندیشه جذب وی باشند.

نیمار در مصاحبه با نشریه پرتیراژ پرتگالی ABOLA و در مورد رونالدو اظهار نظر

## مولر: به ماندن لواندوفسکی خوشبینم



توماس مولر، هافبک بایرن مونیخ ابراز امیدواری کرد که روبرت لواندوفسکی، هم‌تیمی اش در بایرن خواهد ماند.

لواندوفسکی تا سال ۲۰۱۹ با بایرن مونیخ قرارداد دارد و شایعات زیادی مبنی بر احتمال انتقالش به رئال مادرید یا پاری سن ژرمن شنیده می‌شود. بایرن مذاکرات برای حفظ او را شروع کرده و لواندوفسکی نیز در این رابطه ابراز امیدواری کرد.

او گفت: نمی‌دانم پیشنهادات او چقدر جدی است. پنجره نقل و انتقالات در

حال حاضر باز نیست. به علاوه هنوز زمان زیادی تا پایان قرارداد فعلی اش باقی مانده است ولی مشخصاً او بازیکن خیلی مهمی برای بایرن است.

مولر درباره هماهنگی و همکاری اش با لوا گفت: وقتی هر دو در زمین هستیم، فضای بیشتری پیش روی ماست زیرا مدافعین نمی‌توانند فقط روی یکی از ما تمرکز کنند. هر دو می‌دانیم که به کدام سمت حرکت خواهیم کرد و هماهنگی خوبی داریم. او مهاجم نوک است و من پشت سر او بازی می‌کنم.

## رونالدو: نیمار می‌تواند وارث مسی باشد

ویژگی‌هایی که لازم است تا به خوبی مسی شود را دارد.

رونالدو هم‌چنین معتقد است که هم‌تیمی سابقش، زین‌الدین زیدان، می‌تواند رئال مادرید را در چمپیونزلیگ به قهرمانی برساند: همه می‌دانند که زیزو دوست فوق‌العاده من است. واقعاً امیدوارم که او به عنوان مربی هم دوران حرفه‌ای فوق‌العاده‌ای داشته باشد.

او بهترین بازیکنی است که در کنارش بازی کردم. ما در زمین خیلی خوش می‌گذرانیم. آیا امسال، سال رئال است؟ بله، آن‌ها باید روی چمپیونزلیگ تمرکز کنند. آن‌ها برای موفقیت همه چیز دارند. پیروزی مقابل رم (در دیدار رفت مرحله یک هشتم نهایی لیگ قهرمانان) برای زیدان بسیار مهم بود.

رونالدو، مهاجم اسطوره‌ای فوتبال برزیل، معتقد است که نیمار می‌تواند وارث لیونل مسی در بارسا باشد.

نیمار که در سال ۲۰۱۳ از سانتوس به بارسا پیوست، بعد از شروعی نه چندان خوب، به یکی از ارکان اصلی آبی‌اناری‌ها تبدیل شد. او پشت سر مسی و کریس رونالدو، به عنوان سومین بازیکن برتر دنیا در سال ۲۰۱۵ انتخاب شد و رونالدو برزیلی اعتقاد دارد این ستاره ۲۴ ساله می‌تواند در آینده به دستاوردهای بیشتری برسد.

او به کالچو مرکاتو گفت: من خیلی نیمار را دوست دارم. او کمی شبیه من است. او در ابتدا برای جا افتادن در محیط جدید کمی مشکل داشت اما می‌دانستم که او موفق می‌شود. آیا او می‌تواند وارث مسی شود؟ بله، او همه

## سیمئونه خواهان جذب راکیتیچ برای چلسی

خبرگزاری دون بالون مدعی شد که دیگو سیمئونه در صورت حضور روی نیمکت چلسی، به دنبال جذب راکیتیچ خواهد بود.

گفته می‌شود که سرمربی فعلی اتلتیکو با چلسی در مذاکره است و حال خبرگزاری دون بالون مدعی شد که در صورت حضور سیمئونه در چلسی، او برای جذب ایوان راکیتیچ، هافبک بارسلونا تلاش خواهد کرد.

گفته می‌شود که سیمئونه در زمان حضور راکیتیچ در سویا سعی بر جذب او داشته ولی موفق نشده تا این‌که راکیتیچ به بارسلونا پیوست. هافبک کروات با درخششی که در طول یک فصل اخیر داشته به یکی از مهره‌های کلیدی بارسلونا تبدیل شده است.

## گواردیولا: آلابا یکی از بهترین‌های تاریخ بایرن می‌شود

پپ گواردیولا، سرمربی بایرن مونیخ، معتقد است داوید آلابا می‌تواند به یکی از بهترین بازیکنان تاریخ این باشگاه تبدیل شود.

این مدافع اتریش از ۴ سال قبل و زمانی که تنها ۱۹ سال داشت، به یکی از بازیکنان اصلی بایرن تبدیل شد و تاکنون بیش از ۱۰۰ بازی در بوندس لیگا انجام داده و ۴۲ بازی ملی هم در کارنامه دارد.

گفته می‌شود ممکن است گواردیولا در تابستان آینده آلابا را با خود به منچستر سیتی ببرد اما این مربی اسپانیایی اعلام کرد که انتظار دارد این مدافع برای سال‌ها در بایرن بماند.

او به خبرنگاران گفت: او می‌تواند در هر پستی بازی کند. او اشتیاق زیادی برای بازی دارد. او یکی از بهترین بازیکنان در تاریخ بایرن می‌شود. آلابا که این فصل در پست دفاع میانی هم برای بایرن بازی کرده، ۱۷ بار برای باواریایی‌ها به میدان رفته است.

## کاماچو: بنیتس باید دهانش را ببندد

خوسه آنتونیو کاماچو، سرمربی سابق تیم ملی اسپانیا، از رافا بنیتس خواست تا از اظهارنظر در مورد رئال مادرید خودداری کند. بنیتس که تنها ۷ ماه حضور در سانتیاگو برنابئو، جای خود را به زین‌الدین زیدان داد، به تازگی مدیران رئال را به دلیل این‌که به او فرصت کافی ندادند، مورد انتقاد قرار داد. اما کاماچو که خود در سال ۲۰۰۴ برای مدتی بسیار کوتاه‌تر هدایت رئال را برعهده داشت، صحبت‌های بنیتس را بی‌پایه و اساس می‌داند.

او به خبرنگاران گفت: بنیتس از رئال دل‌گیر است. اگر من جای او بودم، دهانم را می‌بستم. به نظر من انتخاب زیدان تصمیم درستی بود. پابلو لاسو، مربی تیم بسکتبال رئال هم گفت: بنیتس در مورد گذشته صحبت می‌کند؛ اتفاقی که دیگر افتاده است. فکر نمی‌کنم او چیز جدید یا مهمی گفته باشد. اگر چیزی برای گفتن داشت، بهتر بود وقتی در باشگاه بود، می‌گفت.

## رونالدو: دوست دارم در اینتر فعالیت کنم

رونالدو، اسطوره فوتبال برزیل و بازیکن سابق اینتر عنوان کرد که دوست دارد در اینتر در یک پست مدیریتی کار کند.

ستاره سابق نراتزوری مهمان ویژه موراتی در بازی دی‌شب اینتر مقابل سامپدوریا بود و به همراه ژوزه مورینیو از نزدیک بازی مقابل سامپدوریا را تماشا کرد. او عنوان کرد که دوست دارد یک پست مدیریتی در تیم سابقش داشته باشد.

او گفت: ملاقات دوباره با موراتی خیلی خوب بود، او مثل خانواده من است. اینتر بزرگ‌ترین چالش زندگی من را به وجود آورد. در آن دوره، سری A بهترین لیگ بود و البته سخت‌ترین لیگ. چالش بزرگی بود و به نظرم خیلی خوب پیش رفت. من ۵ سال فوق‌العاده را سپری کردم و اینتر

همیشه در قلب من باقی خواهد ماند.

رونالدو ادامه داد: من اریک توهیر را در پاریس ملاقات کردم و او انسان دوست داشتنی بود. او دوست دارد کارهای بزرگی انجام دهد و همیشه به دنبال بهترین راه‌حل برای باشگاه است. مطمئناً موفق خواهد بود. آیا ممکن است پستی در باشگاه داشته باشم؟ دوست دارم کاری انجام دهم ولی همیشه در سفر هستیم بنابراین آسان نیست. سرم با "آکادمی رونالدو" خیلی شلوغ است، مدرسه فوتبال من و یک تیم که در لیگ آمریکا دارم. هیچ چیز را رد نمی‌کنم و دوست دارم که یک چالش جدید در اینتر برایم به وجود بیاید. اگر موراتی بار دیگر رئیس باشگاه شود و با من تماس بگیرد، می‌آیم.

## ونگر: قهرمانی جام حذفی مانع اخراجم شد

آرسن ونگر، سرمربی آرسنال عنوان کرد که قهرمانی در جام حذفی انگلیس در سال ۲۰۱۴ مانع اخراج او شد.

آرسنال برای ۱۰ سال موفق به کسب جام نشده بود و آن‌ها سال ۲۰۱۴ با کسب پیروزی مقابل هال سیتی قهرمان شدند. در حالی که آرسنال خود را برای بازی در دور پنجم رقابت‌ها آماده می‌کند، ونگر عنوان کرد که آن قهرمانی مانع اخراجش شد.

او گفت: نمی‌دانم چه سرنوشتی منتظر ما بود. نمی‌دانم اگر می‌باختم چه اتفاقی می‌افتاد. معمولاً به قرارداد احترام

می‌گذارم و برای همه چیز می‌جنگم و گفتن این‌که پس از ۱۷ سال، همه چیز به قهرمانی در یک جام بستگی داشته، بهتر است اصلاً به فینال نمی‌رسیدیم. اگر قهرمان نمی‌شدیم مشکلاتی به وجود می‌آمد ولی قهرمان شدیم.

ونگر درباره احتمال تغییر قوانین جام حذفی گفت: کمی نگران این موضوع هستم زیرا این جام را با قوانین فعلی اش دوست دارم. این سنتی‌ترین جام و رقابت در انگلیس است بنابراین بهتر است به آن احترام گذاشت و به همین شکل آن را حفظ کرد.





**MARK**  
TRAVEL & TOURS



## شرکت سیاحتی و تکت فروشی مارک

- بسته های تفریحی
- کشتی های سفری و سیاحتی
- خدمات ترانسپورت در داخل و خارج کشور
- خدمات ۲۴ ساعته

۱٪ تخفیف در تکت های انترنشنل (خارجی)

آدرس: چهارراهی انصاری مقابل سیتی سنتر، کابل - افغانستان. شماره تماس: 0766 92 92 92 | ایمیل آدرس: info@marktravel.af

### خدمات ما!

- خدمات تکت های داخلی و خارجی
- خدمات هتل در تمام نقاط جهان
- بیمه سفر، بیمه صحتی
- چارتر هلیکوپتر و سیات با هلیکوپتر
- سفر و سیاحت با موتر های مدل جدید

Sunday | 21 February 2016 | Year 05 | Vol 1013

web: www.etilaatroz.com

یکشنبه | ۲ حوت، ۱۳۹۴ | سال پنجم | شماره ۱۰۱۳



## افغانستان با قزاقستان قرارداد خرید انترنت امضا کردند

**اطلاعات روز:** عبدالرزاق وحیدی، وزیر مخابرات و تکنالوژی در سفرش به قزاقستان با مقام های دولتی این کشور، قرارداد خرید انترنت امضا کرده است.

وزارت مخابرات و تکنالوژی معلوماتی در خبرنامه ای می گوید که بر اساس این قرارداد، ۱۰ جی-بی انترنت قزاقستان از مسیر ترکمنستان وارد افغانستان می شود. این قرارداد، پس از طی مراحل آزمایش تکنیکی میان مرز افغانستان و قزاقستان در آینده نزدیک عملی خواهد شد.

وزارت مخابرات می گوید که مطابق قرارداد مذکور، انترنت با کیفیت برای شهروندان با قیمت ارزان تر عرضه می شود.

شهروندان همواره از قیمت بلند و پایین بودن سرعت انترنت در کشور شکایت کرده و خواستار بهبود آن شده اند.

عبدالرزاق وحیدی به تاریخ ۱۴ جدی امسال در صحن مجلس نمایندگان گفت در گذشته ۱۰ جی بی انترنت به قیمت ۲۰۰ هزار دالر از پاکستان خریداری می شد، که می شود این مقدار انترنت را با سرعت بالاتر، به قیمت ۱۳۵ هزار دالر از ترکمنستان خریداری کرد.

آقای وحیدی افزود که قرارداد انترنت با پاکستان به نسبت ضعیفی و قیمت بالای آن لغو شده است.

انتظار می رود که با تطبیق این قرارداد، انترنت با سرعت بهتر و قیمت پایین تر برای شهروندان کشور عرضه شود.



## نیروهای امنیتی از ولسوالی «موسی قلعه» هلمند خارج شدند

**اطلاعات روز:** مقامات امنیتی در هلمند می گویند که نیروهای اردوی ملی از پایگاه های شان در ولسوالی موسی قلعه ولایت هلمند پس از ماه ها مبارزه سنگین با طالبان، خارج شده اند.

محمد معین فقیر، فرمانده قول اردوی ۲۱۵ مستقر در ولایت هلمند به رسانه ها گفته است که به نیروهای امنیتی دستور داده شده تا از قلعه روشن، پایگاه اصلی شان در موسی قلعه، و همچنین دیگر ایست های بازرسی عقب نشینی کنند.

آقای فقیر گفته است که نیروهای امنیتی از موسی قلعه خارج شده اند و برای استحکام امنیت ولسوالی گرشک که مسیر اصلی کابل به جنوب می باشد، گماشته می شوند.

فرمانده قول اردوی ۲۱۵ گفته است: «حضور این نیروها در موسی قلعه اهمیت ندارد، ما از این نیروها در بخش های دیگر هلمند علیه دشمن استفاده می کنیم.»

نیروهای امنیتی و طالبان از مدت ها قبل در این ولسوالی درگیر جنگ بودند.

طالبان ادعا کرده اند که چندین تانک زره نفر و وسایط سبک و سنگین دیگر را از پایگاه های نیروهای امنیتی به دست آورده اند.

در همین حال، عبدالمجید آخوند زاده، معاون شورای ولایتی هلمند می گوید که با خروج نیروهای امنیتی از موسی قلعه، احتمال سقوط کجکی، گرشک و سنگین بیشتر شده است.

اما جنرال دولت وزیر، سخن گوی وزارت دفاع ملی می گوید که جابه جایی یک پوسته یا تغییر قوا به معنای ترک محل نیست بلکه نیروهای امنیتی برای انجام عملیات بهتر و خوب تر آمادگی می گیرند.

آقای وزیر تأکید می کند که خبرهای خوبی در راه است و نیروهای امنیتی برای تنظیم قوا و کارهای کلان آمادگی می گیرند.

هلمند یکی از ولایات ناامن است که در ماه های اخیر شاهد تشدید جنگ بین طالبان و نیروهای امنیتی افغان بوده است.



## دیوار مهربانی کابل در دو نقطه شهر کابل ایجاد شد

**اطلاعات روز:** «انجمن اجتماعی نگرش نو» پس از ایجاد «دیوار مهربانی بلخ» برای اولین بار در کابل طرح دیوار مهربانی را راه اندازی کرد.

این طرح به کوشش این انجمن با شعارهای «شاید اضافه تو کمبود کسی باشد؛ نیاز داری برادر نداری بگذار» برای کمک به افراد نیازمند روز شنبه در شهر کابل به اجرا در آمد.

بر اساس این طرح مردم لباس هایی را که ضرورت ندارند روی این دیوار می گذارند و آنانی که نیازمند این لباس ها هستند، لباس های مورد ضرورت شان را از این دیوار بر می دارند.

این انجمن گفته است که در تلاش است تا پیام نهفته در این عنوان را که عبارت از ترویج فرهنگ انسان دوستانه می باشد، به دیگران برساند.

این انجمن از تمام شهروندان خواسته که تا در قسمت

ادامه، تداوم و ترویج فرهنگ دیوار مهربانی کابل در نقاط مختلف شهر کابل و افغانستان سهمی فعال داشته باشند.

برگزاری چنین طرحی با نام دیوار مهربانی در وضعیت کنونی که بیشتر جوانان بیکار هستند و جامعه از نظر اقتصادی در وضعیت نابه سامانی قرار دارد می تواند کمک خوبی به نیازمندان باشد.

دیوار مهربانی کابل تا هنوز در دو نقطه شهر کابل ایجاد شده است و قرار است این طرح در نقاط مختلف شهر کابل گسترش یابد و دیوار مهربانی کابل برای کمک گرفتن و کمک کردن در دسترس شهروندان باشد.

این دیوار برای اولین بار در سال ۱۳۹۳ در کشور ایران ایجاد شد و به تدریج در کشورهای چین، پاکستان و عراق نیز به اجرا درآمد.